

گفت‌وگو با «جلیل گلشن»، رئیس سابق پژوهشگاه میراث فرهنگی بهیانه روز جهانی باستان‌شناسی

پرونده

باستان‌شناسی ایران

نیازمند تعامل بین‌المللی است

انتصاب‌های عجیب زخمی بر اعتماد عمومی

سرمقاله

به بهانه دو دستاورد بین‌المللی کرمانی‌ها

زنان کویر طلایه‌داران امید

روح‌الله خدیشی |
مدیر مسئول |

یادداشت

هفت زن، هشت قنات یک رؤیا

نینا امین‌زاده |
تسهیلگر |

یادداشت

باستان‌شناسی حافظه زمین و آیین خرد

مهرداد ملک‌زاده |
باستان‌شناس |

دانش ریشه‌ها و افق آینده

عاطفه رشنویی |
مدیر پایگاه میراث جهانی جفازنبیل |

چگونه خیر جمعی نادیده‌گرفته می‌شود؟

بازی شکارگوزن و باستان‌شناسی!

فاطمه علی‌اصغر |
سرمدیر |



«داریوش» و «بیمان»، دو جوان سوادکوهی زندگی‌شان را پای مرال‌ها و جنگل‌های هیرکانی گذاشته‌اند

نگهبانان روح جنگل

بانگ مرال، صدای امید در دل جنگل

مشاور کتابخانه - پیام ما

سرمقاله

به بهانه دو دستاورد بین‌المللی کرمانی‌ها

زنان کویر، طلایه‌داران امید



روح‌الله خدیشی |
مدیر مسئول |

میراث طبیعی و تاریخ را در دل کویر لوت پاس داشته‌اند، به‌عنوان یکی از برترین روستاهای گردشگری جهان ثبت شد. وقتی سازمان جهانی گردشگری در چین، این افتخار را به جهانیان اعلام می‌کرد، شفیق‌آباد نه‌فقط یک روستا، بلکه آینه‌ای از فرهنگ مردمی بود که از دل شن و آفتاب، جهانی از زیبایی و فرهنگ آفریده‌اند.

این هم‌زمانی، تصادفی نیست؛ جلوه‌ای است از روح کویر و مردمانش. بم و شهداد که هر دو زرخورده زمین‌لرزه‌اند، حالا به جهانیان نشان داده‌اند کویر فقط سکوت و سختی نیست؛ سرزمین رویش است، سرزمین امید. مردم این دیار، با دست‌های پینه‌بسته و قلب‌های پر امید، از دل خاکستر و شن، زندگی دوباره ساخته‌اند. مرضیه جعفری و اهالی شفیق‌آباد، هر یک به زبان خود، روایتگر این حقیقت‌اند که در برابر ناملائیات، می‌توان ایستاد، آفرید و درخشید. رد پای زنان در ثبت جهانی روستای شفیق‌آباد بر کسی پوشیده نیست. «گوجه‌بوم» اسم گروهی از زنان روستای شفیق‌آباد است که با تولید صنایع‌دستی واسطه‌ها را از فروش محصولاتشان حذف و زنان روستایشان را محصولاتشان را صرف مرمت و احیای قنات‌های روستا کردند.

در روزگاری که گاه سایه ناامیدی بر دل‌ها سنگینی می‌کند، کرمان با این دو افتخار جهانی که نقش اصلی را در آن زنان دارند، فریاد زد: امید زنده است. بم و شهداد، قنات‌های کویر، به ما آموختند از دل هر سختی می‌توان شکوفه‌ای از افتخار رویاند. این هفته، هفته طلایی کرمان بود؛ هفته‌ای که کویر، نه‌فقط با خاک و آفتاب، بلکه با اراده و امید، بر دوش زنان در جهان درخشید.

کرمان، سرزمین آفتاب‌سوخته و خاک صبور، این هفته توجه جهانیان را به خود واداشت. از دل کویرهای تقویت‌دهنده پهناترین استان ایران، دو شهر زلزله‌دیدم بم و شهداد، دست در دست هم قصه‌ای از امید و تلاش بی‌وقفه نوشتند که در آسیا و جهان طنین‌انداز شد. در یک روز تاریخی، وقتی استاندار کرمان در چین برای معرفی روستای شفیق‌آباد شهردا به‌عنوان یکی از روستاهای نمونه گردشگری جهان حضور داشت، در ریاض «مرضیه جعفری» از بم بر صحنه درخشان فوتبال آسیا قدم گذاشت تا جایزه برترین مربی زن سال ۲۰۲۵ قاره را به خانه بیاورد. دو افتخار جهانی از دو شهر کویری که هر دو در گذر زمان طعم تلخ زلزله را چشیده‌اند و حالا با اراده‌ای پولادین از خاکستر برخاسته‌اند.

بم، شهری که هنوز سایه زلزله دهه هشتاد بر دیوارهایش پیداست، با مرضیه جعفری و تیم فوتبال زنان خاتون، نشان داد از ویرانه‌ها هم می‌توان به قله‌های افتخار رسید. جعفری، زنی از جنس کویر، با دست‌های خالی و دلی پر از باور، تیمی ساخت که نعتها در ایران، بلکه در آسیا به نماد استقامت زنان ایرانی بدل شد. در همان شب که ستارگان فوتبال آسیا در ریاض درخشیدند، نام بم و کرمان بود که بر زبان‌ها جاری شد. هم‌زمان، در گوشه‌های دیگر از کویر، شفیق‌آباد شهردا، با مردمانی سخت‌کوش که

یادداشت

باستان‌شناسی، حافظه زمین و آیین خرد



مهرداد ملک‌زاده |
باستان‌شناس |

روز جهانی باستان‌شناسی؛ پیوند علم و جامعه

در سال ۲۰۱۱ انجمن باستان‌شناسی آمریکا (AIA) پیشنهاد کرد سومین شنبه ماه اکتبر به‌عنوان «روز باستان‌شناسی» انتخاب شود. هدف از این اقدام، گسترش آگاهی عمومی درباره ارزش‌های میراث‌فرهنگی و نشان‌دادن چهره زنده و انسانی باستان‌شناسی بود. با گذشت چند سال، این روز به‌سرعت به حرکتی جهانی بدل شد؛ اکنون نهادهای علمی و فرهنگی در بیش از صد کشور با آن همراهی می‌کنند. موزه‌ها، دانشگاه‌ها و گروه‌های میدانی در این روز درهای خود را به روی مردم می‌گشایند. کارگاه‌های آموزشی، سخنرانی‌ها و نمایشگاه‌هایی برپا می‌شود و کودکان و جوانان با لمس مستقیم اشیای باستانی و تجربه شیوه‌های کاوش، با تاریخ خود نزدیک‌تر می‌شوند. روز جهانی باستان‌شناسی یادآور این حقیقت است که میراث‌گذشته، دارایی شخصی باستان‌شناسان یا دولتها نیست؛ بلکه متعلق به همه انسان‌هاست. آگاهی عمومی از اهمیت حفظ این میراث، نخستین شرط بقای آن است. اگر جامعه نداند چرا باید از تپه‌ای تاریخی یا بنایی فروریخته محافظت کند، هیچ قانون و نهادی به‌تنهایی نمی‌تواند از تخریب آن جلوگیری کند.

اهمیت باستان‌شناسی در دنیای امروز

در دنیایی که شتاب فناوری و اقتصاد، حافظه جمعی را تهدید می‌کند، باستان‌شناسی نقشی دوگانه دارد: علمی و فرهنگی. از منظر علمی، این دانش امکان می‌دهد تا سیر تحول تمدن بشری و پویایی‌های زیست‌محیطی و اقتصادی را در بازوه‌های درازمدت مطالعه کنیم. شناخت الگوهای مهاجرت، شکل‌گیری شهرها، فناوری‌های باستانی و تغییرات اقلیمی در گذشته می‌تواند راهنمای سیاست‌گذاری‌های امروز در زمینه‌های توسعه پایدار و مدیریت منابع باشد. از منظر فرهنگی، باستان‌شناسی راهی برای بازسازی هویت و تقویت حس تعلق است. انسان امروز، در میان بحران‌های جهانی و گسست‌های فرهنگی، بیش از هر زمان نیازمند ریشه‌هایی است که

از جمله مشکلاتی‌اند که آینده میراث فرهنگی را تهدید می‌کنند. گرامیداشت روز جهانی باستان‌شناسی در ایران می‌تواند فرصتی باشد برای بازاندیشی در این مسائل و یادآوری این حقیقت که پاسداشت گذشته، مسئولیتی ملی و اخلاقی است.

باستان‌شناسی و آینده

ممکن است در نگاه نخست، باستان‌شناسی رشته‌ای باشد که با گذشته سروکار دارد، اما درواقع، نگاهی به آینده نیز است. این رشته معرفتی به ما می‌آموزد که چگونه فرهنگ‌ها تمدن‌ها دوام می‌آورند یا فرو می‌ریزند، چگونه محیط‌زیست می‌تواند بر سرنوشت جوامع اثر گذارد و چگونه انسان در برابر بحران‌ها سازگار می‌شود. در جهانی که با چالش‌هایی چون تغییر اقلیم، جنگ و مهاجرت روبه‌رو است، شناخت الگوهای گذشته می‌تواند چراغی برای تصمیم‌گیری‌های امروز باشد. همچنین، باستان‌شناسی در تعامل با فناوری‌های نوین، همچون هوش مصنوعی، تحلیل داده‌های بزرگ (Big Data) و تصویربرداری از فضا، در حال ورود به مرحله‌ای تازه است. اکنون می‌توان با تحلیل الگوریتمی نقشه‌های ماهواره‌ای، محوطه‌های ناشناخته را شناسایی کرد یا با مدل‌سازی سه‌بعدی، شهرهای باستانی را بازسازی کرد. این پیوند علم قدیم با فناوری جدید، افق‌های تازه‌ای را برای فهم تاریخ انسان می‌گشاید.

روز جهانی باستان‌شناسی یادآور آن است که هر تکه سفال، هر سنگ‌نبشته و هر محوطه تاریخی، بخشی از حافظه جمعی ماست. پاسداری از آن، وظیفه‌ای صرفاً اداری نیست؛ بلکه بخشی از اخلاق انسانی است. باستان‌شناسی به ما می‌آموزد گذشته از میان نرفته، بلکه زیر پای ما نفس می‌کشد و ما را فرا می‌خواند تا بشنویم چه می‌گوید. در جهانی که پیوسته در حال آنگزونی است، تنها با فهم گذشته است که می‌توان آینده‌ای پایدار و آگاهانه ساخت. این، رسالت بزرگ باستان‌شناسی است: پیوند دادن زمان‌ها، یادآوری ریشه‌ها و پاسداری از داستان انسان بر خاک زمین.

به انتصاب برخی افراد در سمت‌های مدیریتی اظهار کرد: «طرف هیچ تجربه‌ای ندارد، اما چون «حزب‌اللهی» است، ناگهان مدیر می‌شود. حزب‌اللهی باید بدون تجربه و امتحان بالا بیاید؟ آیا خیانتی بالاتر از این وجود دارد؟»

خ‌دشه به اعتماد عمومی

بااین‌حال و به‌رغم انتقادات رئیس‌جمهور همچنان شاهد انتصاب افرادی هستیم که نه به‌دلیل عملکرد مثبت یا شایسته‌های ویژه مدیریتی و ضوابط قانونی است بلکه براساس روابط شخصی یا مناسبات غیرحرفه‌ای است. این امر در نهادهی مانند شهرداری که به‌صورت مستقیم با شهروندان در ارتباط است، می‌تواند عملکرد مدیریت شهری را مسئله‌ساز کند و به‌قول «الهام فخاری»، عضو سابق شورای شهر تهران، «اعتماد عمومی» را خدشه‌دار کند.

فخاری در گفت‌وگو با «پیام‌ما» با تأکید بر لزوم ارزیابی وضعیت کنونی انتصابات در دستگاه‌های اجرایی کشور، گفت: «تکیه بر روابط شخصی، پیشبرد توصیه‌ها و مناسبات غیرحرفه‌ای در انتصاب یا مانع‌تراشی در انتصاب مدیران، نظام اداری را از کارآمدی دور و اعتماد عمومی را به‌شدت تضعیف می‌کند.»

او با اشاره به ضرورت رعایت اصول حرفه‌ای در فرایندهای مدیریتی گفت: «اصل این است که فرد چه به‌مثابه یک کارشناس برای تشخیص، تبیین و پیشبرد کار و چه در جایگاه مدیریتی، تخصص لازم، تجربه کافی و توانایی حل مسائل و راهبری سازمانی را داشته باشد. اگر چنین نباشد، دیگر تفاوتی ندارد که چه کسی، از این طیف یا آن طیف، مرتکب خطا می‌شود؛ چون نتیجه‌اش به زیان مجموعه و جامعه و کشور است.»

به‌گفته‌اش او، در بسیاری از انتصاب‌ها، معیارهایی مانند شایستگی، تسلط، توانایی حل مسئله، توانایی نوآوری و کارنامه کاری و عملکرد واقعی نادیده گرفته می‌شود و به‌جای آن، روابط شخصی، حلقه آشنایان یا توصیه‌های سیاسی یا حلقه‌های اقتصادی نقش تعیین‌کننده پیدا می‌کنند؛ «این روند موجب می‌شود حتی امور ساده اداری هم با پیچیدگی، گرفتاری، تأخیر و بی‌نظمی همراه شود.»

فخاری با تأکید بر اهمیت ارزیابی عملکرد افراد و سازمان‌های شغلی گفت: «وقتی کسی در مجموعه‌های کار کرده است، باید بررسی شود آیا حضورش باعث بهبود عملکرد آن مجموعه شده یا نه، مدیر شدن افراد چه هزینه‌ای بر سازمان تحمیل کرده و چه حاصل و فایده‌ای رقم زده است. صرف داشتن رابطه یا سابقه حضور در دستگاه‌های مختلف نباید ملاک انتصاب باشد.»

خ‌رومه‌سازی

فخاری با انتقاد از پدیده روزه‌سازی در نظام اداری کشور افزود: «در سال‌های اخیر برخی افراد با جابه‌جایی‌های پیاپی میان سازمان‌ها و پست‌های مختلف، برای خود روزه‌های بلند و پرشمار می‌سازند تا مشروعبت حرفه‌ای کسب کنند. اما سوال اصلی این است که آیا این جابه‌جایی‌ها منجر به بهبود عملکرد یا حل مسئله‌ای در آن مجموعه‌ها شده یا نه؟ فلسفه و هدف ارائه روزه چیست؟ که نشان دهد فرد با چه



سه انتصاب در شهرداری تهران خبرساز شد

انتصاب‌های عجیب زخمی بر اعتماد عمومی

انتصاب افراد بدون رزومه مدیریتی ویژه و صرفاً با تکیه بر برخی روابط و بدون ضابطه در نهادهی مانند شهرداری تهران به‌گفته «الهام فخاری»، عضو سابق شورای شهر تهران، ضمن زیر سؤال بردن شایسته‌سالاری موجب تضعیف کارآمدی، کاهش انگیزه و بهره‌وری کارکنان و همچنین خدشه‌دار شدن اعتماد عمومی می‌شود.

منتشرشده، «علی عشرتی» در سمت رئیس اداره رشد و تعالی مرکز نوسازی و تحول اداری، «جواد سوری» به‌عنوان رئیس امور اداری و رفاهی و «محسن مرادی» به‌عنوان «مدیر حوزه معاونت هماهنگی و پشتیبان منصوب شده‌اند. به‌گزارش ایلنا، یک مقام شهرداری تهران این انتصابات را تأیید کرده است. به‌گفته این مقام، افراد تازه منصوب‌شده پیش‌ازاین نیز از پرسنل شهرداری تهران بوده‌اند: «این انتصابات به‌صورت هم‌زمان نبوده و در ادارات مختلف صورت گرفته است.

انتصاب افراد غیرتخصصی در مشاغل تخصصی نهادهای دولتی و عمومی یکی از آسیب‌هایی است که سیستم اداری ایران به آن دچار شده است و هر از گاهی اخباری از انتصاب افرادی با عناوین مختلف در جایگاه‌های مدیریتی و مشاور و... خبرساز می‌شود. این درحالی‌است که دولتمردان همواره بر اصول شفافیت، رعایت اصول حرفه‌ای و توجه به تخصص افراد در مشاغل مختلف تأکید می‌کنند. در روزهای گذشته انتصاب سه «مداح» در شهرداری تهران خبرساز شد. براساس گزارش‌های



ایاسر مختاری

روزنامه‌نگار

چگونه خیر جمعی نادیده گرفته می‌شود؟

بازی شکار گوزن و باستان‌شناسی!



فاطمه علی‌اصغر

اسرديبر

این روزها که صفحه‌های اجتماعی پر است از آدرس‌های عجیب و غریب گنج‌یابی مثل شباهت یک صخره به سر لاک‌پشت یا دیدن یک تپه به‌شکل کوهان شتر ماده و رفتن به‌سمت آن و کندن زمین و کوه و دشت... و ناگهان پیدا کردن گنج! بی‌شک برای خیلی‌ها این سؤال پیش می‌آید: چه تفاوتی بین گردانندگان شناخته‌شده این صفحه‌ها و باستان‌شناسان کمترشناخته‌شده در ایران است؟ البته که این پرسش، پاسخ کوبنده، دقیق و سرراستی دارد: «باستان‌شناسان در محوطه‌های تاریخی یافته‌هایی به دست می‌آورند که فقط شامل کاسه و کوزه نمی‌شود، بلکه آنها در جست‌وجوی آثار معماری و اسرار زندگی گذشتگان هستند. آنها این آثار را برای خودشان بر نمی‌دارند. اما به‌نظر می‌رسد این پاسخ از سوی بسیاری از مردم گنگ و غیرشفاف است. گاه می‌پرسند: «چه خیر عمومی در این آثار

وجود دارد؟» اینجاست که ماجرا پیچیده می‌شود و ابعاد مختلفی پیدا می‌کند. در تمام این سال‌ها که با مردم، باستان‌شناسان و جوامع محلی گفت‌وگو کردم، به این نتیجه رسیدم که باستان‌شناسان از نظر بسیاری از مردم غریبه‌اند و حتی دشمن به شمار می‌آیند. آنها عجیب‌اند و کارشان برای مردم ملموس نیست. بسیاری از محوطه‌های باستانی ایران معمولاً در کنار روستاها و جوامع محلی دورافتاده‌اند. در روزهای اول کاوش مردم‌دوستانه رفتار می‌کنند، اما وقتی آثار کشف می‌شود، رفتارها تغییر می‌کنند. یادم می‌آید در الموت، برخی از محلی‌ها بعد از ۲۰ سال کاوش‌های مدام، همچنان معتقد بودند باستان‌شناسان دارند گنجینه‌های حسن صباح را می‌برند. خیلی سال پیش برای گزارش به ایذه رفته بودیم، یک گروه ایتالیایی به سرپرستی «جعفر مهرکیان» در حال کاوش بودند؛ اما عده‌ای به نیروی انتظامی گزارش دادند که چه نشسته‌اید! اجنبی‌ها آمده‌اند داروندار ما را بدزدند. آن روز جلوی چشم ما نیروی انتظامی آمد و باستان‌شناسان ایتالیایی را که مجوز کاوش علمی داشتند، دستگیر کرد. «عباس مقدم»، باستان‌شناسی که در روستای «چگاسفلا» بیپناه به یکی از مهم‌ترین کشف‌های ایران رسید، بارها و بارها مورد خطاب تند و ناروایی از سوی دهیار روستا قرار گرفت. وقتی با این دهیار صحبت می‌کردم، متوجه شدم اعتقاد دارد باستان‌شناسان گنجشان را می‌برند و بدبختی‌ها را برای

مردم روستا می‌گذارند؛ چون پس از این کشف باید روستا جابه‌جا می‌شد ره اهالی حاضر نبودند. مسئولان هم زیر بار اجرای برنامه بسیاری روستا برپایه طرح باستان‌شناسان نمی‌روند. هنوز هم خیلی از جیرفتی‌ها باور دارند «یوسف مجیدزاده»، باستان‌شناس پیشکسوت، آثار محوطه «کنار صندل» را به خارج برده است. در اینجا باز مسئله بغرنج‌تر می‌شود؛ چون به‌نظر می‌رسد در این جوامع به‌جای واقع‌بینی، کوتاهی‌های مدیران بالادستی را به گردن باستان‌شناسان می‌اندازند؛ چون یکی راحتم‌ترین و بی‌دردس‌ترین نوع اعتراض به توسعه‌نیافتگی محلی زندگی‌شان است. این وضعیت با نظریه «ژان ژاک روسو» معروف به «بازی شکار گوزن» قابل شرح است. در این نظریه افرادی قرار است گوزنی را شکار کنند، آنها باید در یک همکاری جمعی ساعت‌ها انتظار بکشند، چراکه این تنها راه شکار یک گوزن است. می‌توانی این افراد باید در سکوت بدون اینکه از فرد دیگری خبر داشته باشند، منتظر شکار باشند. اما در این بین اگر یکی از آنها، یک خرگوش ببیند و به شکار آن اقدام کند، منفعث بقیه را نادیده گرفته و دست‌یابی به خیر جمعی را که همان شکار گوزن است، دچار مشکل کرده، پس همه معادلات بهم می‌خورد. این، منطبق با وضعیت باستان‌شناسی امروز ماست. مردمی که به‌دلایل مختلف تاب صوری رسیدن به خیر جمعی را ندارند، به شکار خرگوش می‌روند. یکی از این دلایل شاید این باشد که به نهادهای بالادستی اعتماد ندارند. حتماً همه ما از بچگی شنیده‌ایم که پسر فلان مسئول قاچاقچی اشیای عتیقه است یا اینکه یک روز آمدند با خودروهای سیاه، جاده را بستند و هر چه بود برداشتند و بردند. بی‌شک همه اینها در ایجاد شکاف برای رسیدن به اتحاد و همکاری ضروری در شکار گوزن یا همان خیر عمومی نقش مهمی دارد. دیوارهای اعتماد فروریخته‌اند و هر کسی

می‌گوید بروم خرگوش خودم را بگیرم، تا کی چمپاتمه بزنم که گوزنی از راه برسد. در میان این وضعیت پیچیده، شاهدیم نهادهایی که باید پاسدار نفع عمومی باشند، موضع‌گیری متفاوتی دارند. مثلاً مسئولان میراث‌فرهنگی زیر فشار نمایندگان مجلس، بر خیر جمعی چشم می‌پوشند و به افرادی که دنبال منفعت شخصی هستند، چراغ سبز نشان می‌دهند! در این میان، باستان‌شناسان و دوستداران میراث‌فرهنگی بیش‌ترین درد را می‌کشند. آنها آگاه‌اند که کشف یک تار مو، یک چشم مصنوعی، یک استخوان... می‌تواند تاریخ یک ملت را متحول کند و اگر خرد جمعی باشد، همه با صبر بیشتر به نفع بزرگ‌تری می‌رسند. جالب است که جهان این نفع را آزموده، فقط کافی است به خیل گردشگران ترکیه نگاه بیندازید. سیاستمداران از آمریکا تا چین برای حفاظت از تاریخ و میراث‌فرهنگی‌شان میلیاردها دلار و یوان خرج کرده‌اند. اما عجیب اینکه متولیان حفاظت از میراث‌فرهنگی در ایران حاضر نیستند به منفعث‌طلبان شخصی چنگ و دندان نشان دهند! شاید دلیلش این است که فقط می‌خواهند خودشان سر سلامت باسمر ببرند. شاید نسل‌های آینده برایشان اهمیتی ندارند و هزاران پاسخ دیگر ازاین‌دست. به‌عنوان نمونه اگر اسکلک‌سازی، «عشق حسسنلو» را به انگلیسی جست‌وجو کنید، به بی‌نهایت مقاله پژوهشی می‌رسید که در گوگل فارسی محال است پیدا کنید. بی‌شک یافته‌های حسنلو کمک بسیاری به این جوامع در زمینه تاریخی، پژوهشی، پزشکی، جامعه‌شناسی و... می‌کند و نفع عمومی دارد که این‌چنین از کارشناسان و باستان‌شناسان حمایت می‌کنند تا تولید علم کنند. کشف‌های سرزمین ما برای همه دنیا خیر عمومی دارد و برای خودمان هیچ. وقتی نمایندگان مجلس به این نتیجه می‌رسند که پژوهشگاه باستان‌شناسی را منحل کنند

یا اینکه حریم محوطه‌های باستانی را کوچک کنند، دیگر چه انتظاری از دهیار و یوآروی گنج‌یاب داریم؟ وقتی متولیان با شعارهای عوام‌فریبانه «طلبات مردمی»، قوانین خیر عمومی را زیر پا می‌گذارند؛ دیگر از افرادی که ناگهان خرگوش دیده‌اند یا سر لاک‌پشت در صخره‌ها چه انتظاری می‌توان داشت که به فکر نفع عمومی باشند؟ واقعیت این است که اگر صدای باستان‌شناسان امروز شنیده نشود، فردا این ملت و نسل‌های آینده هستند که می‌بازند و به جایی می‌رسیم که باید سر تعظیم به تاریخ ملت‌های دیگر فرود آوریم؛ وقتی که دیگر ایران در کتاب‌های پر فروشی چون «انسان خردمند» نوشته بیووال نوح هرازی» جز چند مثال کوچک ردی ندارد. البته تنها راه‌حل مسئولان در این موارد ایجاد محدودیت در نشر این کتاب‌هاست. سؤال این است: آن وقت که دشمن از راه می‌رسد، چگونه می‌توانی از کبان مملکت دفاع کرد؟ وقتی مدعیان تغییر نام خلیج‌فارس از راه می‌رسند، چه سندی برای ارائه داریم؟ وقتی محوطه چگاسفلا را که سند شش‌هزار سال زندگی ایرانیان در کنار خلیج‌فارس است، برای نفع ۲۰ خانوار فلابد کردیم؟ وقتی حرف از قدیمی‌ترین تمدن‌های جهان است، ما چه مدرکی داریم وقتی «کنار صندل» را روزنه‌نگار کردیم؟ چه کسی باید می‌کند؟ فرزندان خودمان هم ممکن است بپرسند پس کجاست این تمدن؟ چطور به آنها بگوییم خاک و سیمان شده‌اند؟ وقتی روی «گودین‌تپه» هنت‌فازرساله که نگین انگشتری مادهاست، دستور ساختن ساخخانه دادیم، دیگر چگونه بگوییم که ما در غرب ایران تمدن داشتیم؟ واقعاً این‌طورکه پیش می‌رود، از ما چه می‌ماند؟ جز بی‌ریشه بودن و حقارت جمعی؟ ما تبدیل به شکارچیانی شدیم که دنبال خرگوش‌اند. مقصر کیست؟

توبت اول	سازمان ثبت‌استاد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌استاد و املاک خراسان رضوی	اداره کل ثبت‌استاد و املاک خراسان رضوی
اداره ثبت‌استاد و املاک شهرستان آبیک	آقای رضا صادقی با ارائه استشهاد محلی گواهی امضاء شده طی درخواست شماره ۱۴۰۴/۰۷/۲۱۱ - ۱۱/۱۴۰۴/۰۷/۲۱۱ تصاقی صدور سند مالکیت المثنی توبت اول شش‌هزار و ۱۷۱۲ فرعی مجزا شده از ۱۴۴۷ فرعی از ۱۲۰ - اصلی واقع در بخش یک حوزه ثبتی شهرستان گناباد که ذیل دفتر الکترونیک ۰۱۷۳۳-۱۳۰۰۲۰۳۰۶-۱۳۹۵۲۰۳۰۶ صادر و تسلیم گردیده است حسب اعلام منقassی سند مالکیت به علت سهل‌انگاری منقود شده را ننموده است دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد.
	صمن اینکه برابر نامه شماره ۱۴۰۳۴۹۹۰۰۳۴۹۹۷۶ - ۱۴۰۲۲۵۹۹۰۰۳۴۹۹۷۶ شعبه دوم دادراری دادسرای عمومی و انقلاب گناباد در قبال مبلغ ۱۷۰۰۰۰۰۰۰ ریال و مازاد اول برابر نامه شماره ۱۴۰۳۲۵۹۹۰۰۱۸۵۱۷۷۴۸ - ۱۴۰۳۲۵۹۹۰۰۱۸۵۱۷۷۴۸ شعبه دوم دادراری دادسرای عمومی و انقلاب گناباد در قبال مبلغ ۱۷۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال برداشتن می‌باشد در اجاری ماده ۱۲۰ اصلاحی این‌نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی تا چهاره اشخاصی مدعی انجام معامله یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود می‌باشند طرف در روز تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را همراه با اصل سند مالکیت یا سند معامله به اداره ثبت محل ارائه تا مراتب صورتجلسه گردد. چنانچه پس از تمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود. این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود.
	تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۲۴
	سید ضیاء الدین مهدوی شهری – رئیس ثبت‌استاد و املاک گناباد
	رونوشت: اداره محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی گناباد جهت اقدام لازم
	رونوشت، نمایندگی محترم ستاد اجرایی فرمان حضرت امام خمینی (ره) خراسان رضوی جهت اطلاع
	نشانه آگهی: ۲۰۲۷۶۶۷ - م الف ۵۸۶

توبت اول	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف
وزعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی	برابر رای شماره ۰۵۱۹۶۲۹-۱۴۰۴۰۳۰۶۰۵۱۹۶۲۹ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلععارض متقاضی آقای سعید زارعی فرزند علی اصغر در شش‌هزار یک باب ساختمان به مساحت ۲۲۹.۳۲ متر مربع از پلاک شماره ۱۴۰ فرعی از ۲۲۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی آقای صفرعلی محمودی فرزند عباسعلی محرز شده است. مراتب به منظور اطلاع عموم در دو روزنامه یکی روزنامه محلی و دیگری در روزنامه کثیر الانتشار و در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم کنند. بدیهی است در صورت اقتصای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶
	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱
	مجتبی لطفی پور– رئیس ثبت اسناد و املاک نیشابور
	م الف ۷۳۳۷

توبت اول	سازمان ثبت‌استاد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌استاد و املاک استان قزوین	اداره کل ثبت‌استاد و املاک استان قزوین
اداره ثبت‌استاد و املاک شهرستان آبیک	اداره ثبت‌استاد و املاک شهرستان آبیک
	برابر رای شماره ۰۳۰۰۴۱۹۸-۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۰۳۰۴۱۹۹ و ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۰۳۰۴۱۹۹ هر دو مورخ ۱۴۰۴۰۶۰۲۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی آبیک، کلاسه ۰۳۰۰۰۸۷۸-۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۳۰۰۰۸۷۷ و ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۳۰۰۰۸۷۸ تصافات مالکانه و بلععارض متقاضی آقای تقی بغدادی فرزند نبی به شماره شناسنامه ۱ شماره ملی ۰۵۰۸۹۸۳۵۸۲۹ صادره از آبیک و آقای پوریا اسمعیلی فرزند احمد به شماره شناسنامه و شماره ملی ۰۱۷۳۱۷۱۷۷۲۰۰۱۷۳۱۷۱۷۷۲ صادره از تهران هر یک مالک سه دانگ از شش‌دانگ می‌باشند نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۰۲۹۴ مترمربع که از پلاک ۴۸۲ فرعی و ۴۶۹ فرعی از یک اصلی بخش ۱۴ قزوین قریه یانس آباد از مالکیت مشاعی محرز گردیده است؛ لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌گردد در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک واقع در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، مبادرت به تقدیم دادخواست در مراجع قضایی نموده و گواهی آن را به اداره ثبت تحویل دهد و در صورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند، اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت نماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی‌باشد.
	علی مافی – رئیس اداره ثبت‌استاد و املاک شهرستان آبیک
	تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۴۰۰۷۰۲۶ - تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۴۰۰۸۰۱۲
	نشانه آگهی: ۲۰۲۶۹۷۱

گفت‌وگو با «جلیل گلشن»، رئیس سابق پژوهشگاه میراث‌فرهنگی، به‌بهانه روز جهانی باستان‌شناسی

باستان‌شناسی ایران نیازمند تعامل بین‌المللی است



تصویر: مهر

همگی به ما می‌دهد -در جریان به‌دست‌آوردن این اطلاعات- باعث ازبین‌رفتن بخشی از لایه‌های فرهنگی هم می‌شود؛ پس چه بهتر که از این روند مطالعاتی، اطلاعات بیشتری استخراج شود. این امر با همکاری و حضور متخصصان از سراسر جهان امکان‌پذیر است؛ زیرا تخصص‌های مرتبط با باستان‌شناسی در هر کشور، عموماً در یک حوزه تسلط دارند و همکاری باستان‌شناسان سراسر جهان می‌تواند باعث شناخت بیشتر از کشفیات باستان‌شناسی شود.»

کنداشتن شناخت از سرزمین؛ توسعه را به بیراهه می‌برد

گلشن درباره ضرورت دانش باستان‌شناسی در سرزمینی مثل ایران، به کتابی از «سید محمد بهشتی»، رئیس پیشین پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، اشاره می‌کند و می‌گوید: «مهندس بهشتی معمار هستند، اما سال‌ها در سازمان میراث‌فرهنگی و پژوهشگاه سمت مدیریت داشتند و بارها از ایشان شنیدم اگر به عقب برگردند، حتماً در رشته باستان‌شناسی تحصیل می‌کنند. ایشان کتابی در همین زمینه نوشته‌اند با نام «توسعه در تاریکی» که در آن به موضوع توسعه و میراث‌فرهنگی در ایران پرداخته‌اند. در این کتاب تأکید شده است توسعه ایران بدون شناخت میراث‌فرهنگی و توجه به حفظ آن، در تاریکی اتفاق می‌افتد. اگر کسی سرزمین ایران را نشناسد، در مسیر توسعه به خطا خواهد رفت. در این کتاب به این مسئله هم اشاره شده که تمام مشکلاتی که امروز با آن مواجه‌ایم، در همین نداشتن شناخت نسبت به سرزمینمان، ریشه دارد.» او از تأکید این کتاب بر توجه به باستان‌شناسی در توسعه هم می‌گوید و اینکه: «اگر نخواهیم کاری درست و اصولی انجام دهیم، لازم است تمام تخصص‌ها با رشته باستان‌شناسی و دستاوردهای این دانش آشنا باشند. به‌عبارتی، زمانی می‌توانیم توسعه را تجربه و رشد کنیم که گذشته خودمان را بدانیم و مهتر، اینکه بدانیم ایران کجاست و چه ویژگی‌هایی دارد. بدون شناخت سرزمین هیچ‌کدام از طرح‌ها و برنامه‌ها به مقصود خود نمی‌رسند. این راهی است که از باستان‌شناسی می‌گذرد.» گلشن با اشاره به دوران مدیریتش در پژوهشگاه میراث‌فرهنگی، می‌گوید: «۱۵ دانشجوی دکتری از دانشگاه آکسفورد آمدند و از ما خواستند هماهنگی لازم را برای بازدید آنها از شهر کاشان انجام دهیم. وقتی پرسیدم با چه هدفی قصد دارید به کاشان بروید، گفتند می‌خواهیم ببینیم در این سرزمین خشک ایرانی‌ها چه چطور زندگی می‌کردند. دانش آنها برای امروز و مواجهه با مشکلاتی که در پیش است، می‌تواند کمک‌کننده باشد.» گلشن معتقد است: «ما کمتر به این مسئله توجه داریم، اما تمام این موارد موضوع علم باستان‌شناسی است. اگر می‌خواهیم به توسعه دست پیدا کنیم، نیاز داریم گذشته خود و سرزمینمان را بدانیم و با دانشی که گذشتگان را در این سرزمین نگه داشته، آشنا شویم تا بتوانیم راه آینده را در پیش بگیریم.»

باستان‌شناسی ریشه‌های ما را به ما نشان می‌دهد؛ ریشه‌هایی که برای درک امروز و ساختن فردا به شناخت آنها نیاز داریم. باستان‌شناسی کاوش در لایه‌های هویتی یک ملت است؛ دانشی که ما را متوجه می‌کند توسعه بدون شناخت سرزمین، به بیراهه می‌رود. در روز جهانی باستان‌شناسی و برای بیان علت اهمیت این دانش در امروز و فردای جهان، شاید مهم‌ترین مسئله‌ای که باید به آن اندیشید، این باشد که آیا می‌توان بدون شناخت گذشته آینده‌ی روشن ساخت؟

یادداشت

باستان‌شناسی دانش ریشه‌ها و افق آینده



| عاطفه رشونی |

| مدیر پایگاه میراث جهانی چغازنبیل |

روز جهانی باستان‌شناسی، که هر سال در سومین شنبه ماه اکتبر گرمای داشته می‌شود، فرصتی است برای تأمل در جایگاه دانشی که به شناخت هویت، تدویم فرهنگی و بازخوانی مسیر تمدن بشری یاری می‌رساند. این روز به ابتکار انجمن‌ها و شوراهای علمی بین‌المللی در تقویم جهانی ثبت شد تا اهمیت باستان‌شناسی به‌عنوان علمی میان‌رشته‌ای و راهبردی در توسعه فرهنگی و اجتماعی جوامع مورد تأکید قرار گیرد. باستان‌شناسی در جوهره خود، علمی است که از طریق تحلیل داده‌های مادی، شواهد معماری و لایه‌های فرهنگی، تاریخ زیست انسان را در بستر زمان و مکان بازسازی می‌کند. در ایران، این دانش نعتها به کشف آثار باستانی انجامیده، بلکه نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری خودآگاهی تاریخی و بازشناسی تمدن‌های کهن داشته است. کاوش‌های علمی در محوطه‌هایی چون چغامیش، شوش، هفت‌تپه و چغازنبیل در خوزستان، افق تازه‌ای از تاریخ ایلام باستان را گشودند و نشان دادند نخستین دولت‌های سازمان‌یافته، نظام‌های آبیاری و شکل‌های پیچیده شهرنشینی در همین سرزمین پدید آمده‌اند. باستان‌شناسان ایران در یک قرن اخیر با تکیه بر روش‌های علمی و درعین‌حال نگاه فرهنگی، توانسته‌اند لایه‌های ناشناخته‌ای از گذشته را آشکار کنند. کاوش‌های شوش، چگاسفلا، تپه‌سلیک، شهداد، مارلیک و جیرفت ایضاً تازه‌ای از خلاقیت و نظام فکری مردمان پیش‌اتاریخ ایران را نشان داده است. در خوزستان پژوهش‌های جدید مبتنی بر فناوری‌های ژئوفیزیکی، سن‌یابی رادیوکربن و مستندسازی دیجیتال در پایگاه‌های میراث جهانی، گواهی بر پویایی نسل جدید باستان‌شناسان ایرانی است که میراث علمی گذشتگان را با ابزارهای نوین پیوند می‌زنند. روز جهانی باستان‌شناسی فرصتی است برای قدرتی از پژوهشگرانی که با صبر و دقت، روایت‌های خاموش تاریخ را زنده کرده‌اند. در خوزستان، نسل‌های متوالی باستان‌شناسان ایرانی، از زندگی «عزت‌الله نگهبان» تا پژوهشگران امروز، سهمی بزرگ در شناخت ساختارهای اجتماعی، آیینی و زیست‌محیطی تمدن ایلامی داشته‌اند. یافته‌هایی چون گل‌نوشته‌های هفت‌تپه، آثار معماری معبد چغازنبیل و سامانه‌های آبرسانی باستانی، به نقطه شواهدی از شکوه گذشته، بلکه داده‌هایی علمی برای درک تحولات فرهنگی و زیست‌بایدار در این منطقه‌اند. اهمیت این روز فراتر از پاسداشت یک حرفه است؛ یادآوری است از اینکه شناخت گذشته، بنیان درک آینده است. میراث فرهنگی و داده‌های باستان‌شناسی، سرمایه‌ای راهبردی برای برنامه‌ریزی فرهنگی، آموزش، گردشگری پایدار و هویت‌سازی ملی به شمار می‌روند. باستان‌شناسی به ما می‌آموزد که تاریخ نه مجموعه‌ای از وقایع کهنه، بلکه آزمایشگاهی زنده از تجربه‌های انسانی است که هنوز برای امروز ما سخن دارد. در دنیای امروز که توسعه، گاه ناآگاهانه بهیچای از دست‌رفتن میراث‌فرهنگی تمام می‌شود، گرم‌سپاس است روز جهانی باستان‌شناسی یادآور این حقیقت است که علم باستان‌شناسی، به صرفاً برای گذشته، بلکه برای آینده بشر ضرورت دارد. پاسداشت خاک، مطالعه علمی داده‌ها و تربیت نسل‌های تازه باستان‌شناسان، مسئولیتی فرهنگی و ملی است که استمرار آن می‌تواند چراغ شناخت، خرد و پایداری را در جامعه روشن نگه دارد.

باستان‌شناسی هرچند در ابتدا به‌عنوان تلاشی برای جمع‌آوری اشیای جهت غنا بخشیدن به کلتکسیون‌ها و موزه‌ها آغاز شد، اما از اوایل قرن نوزدهم به یک رشته علمی و دانشگاهی تبدیل شد که ریشه در اندیشه‌های دوران روشنفکری اروپا داشت. امروز اما این دانش نعتها به تحلیل مواد فرهنگی می‌پردازد، بلکه به‌دنبال رسیدن به درکی عمیق‌تر از ساختارها و تحولات جوامع انسانی است. ایران ما را هم باستان‌شناسان بزرگ بسیاری کاویده‌اند؛ از «ارنست هرتسفلد» و «اریک اشمیت» تا «عزت‌الله نگهبان» و «علیرضا شاپور شهبازی»، آنها زیر تیغ آفتاب خاک را از رخ تاریخ کنار زدند تا معماهای یک سرزمین را حل کنند. بخشی از آنچه ما امروز از گذشته‌مان می‌دانیم، مدیون دانش و تلاش

بزرگانی است که در محوطه‌های باستانی عمر خود را گذراندند.

ک جیرفت مهمترین کاوش چند دهه اخیر

در جهان باستان‌شناسی، بارها کشفیات بزرگ تمدنی در نقاط مختلف جهان، باعث شگفتی باستان‌شناسان و محافل علمی شده است. ایران بارها این تجربه را از سر گذرانده است، اما شاید آخرین کشف بزرگی که در جغرافیای ایران توانست بازتابی جهانی داشته باشد و پاسخ سوالات بسیاری را بدهد، کشف تمدن جیرفت بود. تمدنی که هرچند به‌شکلی تصادفی و با یک تراژدی بزرگ کشف شد، اما تلاش باستان‌شناسان تا حد قابل‌توجهی منجر به معرفی آن در سطح جهان شد. به باور «جلیل گلشن» باستان‌شناس

پیشکسوت: «مهمترین کاوشی که در چهار دهه اخیر انجام شده، کشف تمدن جیرفت است. ما پیش از این کشف، تمدن بین‌النهرین و مصر و در شرق تمدن سندا را می‌شناختیم. فاصله جغرافیایی این محوطه‌ها زیاد بود و یک خلأ در این میان وجود داشت که در اوایل دهه ۸۰ مشخص شد این جای خالی همان تمدن جیرفت است. یکی از ابعاد بارز مطالعات جیرفت این است که برای اولین بار محوطه مربوط به تمدنی بزرگ توسط باستان‌شناسی اهل همان کشور کاوش و مطالعه شد. دکتر «یوسف مجیدزاده» تلاش‌های زیادی در جیرفت داشتند و مطالعاتی انجام دادند که نتایج آن بازتاب جهانی داشت.» البته گلشن تأکید می‌کند این ویژگی بارز به این معنا نیست که این مطالعات باید محدود به متخصصان داخلی شود:

«کمااینکه در هیئت باستان‌شناسی جیرفت هم تخصصی از دیگر کشورها حضور داشتند و یک همکاری بین‌المللی شکل گرفته بود؛ اما سربپرست کاوش‌ها یک ایرانی بود.»

جلیل گلشن معتقد است: «با توجه به اینکه باستان‌شناسی در ایران و جهان دانشی جوان است، مراوده بین کشورها و متخصصان برای رشد و توسعه آن لازم است؛ به‌ویژه برای ایران که یکی از مهم‌ترین سرزمین‌ها است و می‌تواند در شناخت سیر تحول انسان نقش مهمی ایفا کند. بنابراین، لازم است متخصصان رشته‌های مرتبط با باستان‌شناسی در کشورهای مختلف با هم تعامل و تماس داشته باشند تا بتوانند بیشترین اطلاعات را از دستاوردهای یک کاوش به دست آورند. ما می‌دانیم باستان‌شناسی در عین اینکه اطلاعات

بزرگانی است که در محوطه‌های باستانی عمر خود را گذراندند.

ک جیرفت مهمترین کاوش چند دهه اخیر

در جهان باستان‌شناسی، بارها کشفیات بزرگ تمدنی در نقاط مختلف جهان، باعث شگفتی باستان‌شناسان و محافل علمی شده است. ایران بارها این تجربه را از سر گذرانده است، اما شاید آخرین کشف بزرگی که در جغرافیای ایران توانست بازتابی جهانی داشته باشد و پاسخ سوالات بسیاری را بدهد، کشف تمدن جیرفت بود. تمدنی که هرچند به‌شکلی تصادفی و با یک تراژدی بزرگ کشف شد، اما تلاش باستان‌شناسان تا حد قابل‌توجهی منجر به معرفی آن در سطح جهان شد. به باور «جلیل گلشن» باستان‌شناس

آگهی مناقصه شماره ۵۱۰۴۱۰۲

موضوع مناقصه: نگهداری و تعمیرات نوارها (belts)، جرثقیل های سقفی، جرثقیل مونوریل و آسانسورهای مجتمع مس در آلو

شرکت ملی صنایع مس ایران با عنوان مناقصه گزار در نظر دارد موضوع مناقصه فوق الذکر را با مشخصات و شرایط کلی زیر از طریق مناقصه عمومی به شرکت ها یا موسسات واجد صلاحیت واگذار نماید.

شرح مختصر کار:

شرح خدمات در بخش نوارها belts:

۱. اقدامات لازم در خصوص آماده بکاری تمامی نوارها belts با توجه به شرایط خط تولید مطابق دستورالعمل‌های شرکت سازنده و دستگاه نظارت
۲. چک و بازدید شبیتی، روزانه، هفتگی، ماهانه تمامی جرثقیل‌ها مطابق برنامه ابلاغی از سوی دستگاه نظارت
۳. اجراء برنامه نت (نگهداری و تعمیرات) در رابطه با جرثقیل‌ها مطابق برنامه ابلاغی از سوی دستگاه نظارت

۶- شرایط مناقصی:

۱- شرایط لازم برای حضور در مناقصه

۱. داشتن شخصیت حقوقی.
۲. داشتن حسن سابقه در کارهای قبلی (۱۵ امتیاز)
۳. ارائه توان مالی، نواز مالی و اظهارنامه مالیاتی مربوط به ۵ سال گذشته (۲۰ امتیاز)
۴. دارا بودن توان تجهیزاتی و ماشین آلتی مورد نیاز جهت اجرای موضوع مناقصه مطابق لیست حداقل ماشین آلات و تجهیزات مندرج در بند ۵ یا در اختیار داشتن آنها طی مدت اجرای موضوع مناقصه (۱۱ امتیاز)
۵. توانایی ارائه مستندات مربوط به کفایت کارکنان کلیدی (۱۴ امتیاز)
۶. داشتن توان و دانش راهبری و فنی در زمینه طراحی و مهندسی و مدیریت پروژه(۱۰ امتیاز)
۷. دانش فنی در زمینه طراحی و مهندسی مربوط به ۵ سال گذشته (۱۰ امتیاز)

متقاضیان که دارای شرایط مذکور در بند "۶-۱" شرایط مناقصی" بوده و آمادگی اجرای کار را دارند، می‌توانند حداکثر ظرف مدت ۱۴ روز پس از تاریخ درج آگهی (نوبت دوم) در روزنامه سراسری، آمادگی خود را از طریق پایگاه جامع اطلاع رسانی شرکت ملی صنایع مس ایران به آدرس الکترونیکی dargah.nicico.com با انجام مراحل ذیل اعلام نمایند: **الف- انجام فرایند ثبت نام اولیه و دریافت نام کاربری و رمز عبور.**

ب- ورود به سامانه و اعلام آمادگی جهت شرکت در مناقصه مربوطه و آبلود مستندات در بخش های ذیل:

۱- در بخش آبلود اسناد و مستندات، بارگذاری مدارک مورد نیاز "حقوقی و مالکیتی" به شرح ذیل:

تصویر اساتمه، آگهی تاسیس، تصویر نمونه افضاهای صاحبان مجاز به همراه نام و نام خانوادگی، آگهی روزنامه آخرین تغییرات شرکت درخصوص اعضای هیات مدیره، مدیرعامل و نیز صاحبان افضاهای مجاز و تصویر گواهی کد اقتصادی و شناسه ملی کارکنان.

شرح خدمات در بخش جرثقیل ها:

۱. اقدامات لازم در خصوص آماده بکاری تمامی جرثقیل‌ها با توجه به شرایط خط تولید مطابق دستورالعمل‌های شرکت سازنده و دستگاه نظارت
۲. چک و بازدید شبیتی، روزانه، هفتگی، ماهانه تمامی جرثقیل‌ها مطابق برنامه ابلاغی از سوی دستگاه نظارت
۳. اجراء برنامه نت (نگهداری و تعمیرات) در رابطه با جرثقیل‌ها مطابق برنامه ابلاغی از سوی دستگاه نظارت

ب-۲- در بخش فرم ارزیابی، بارگذاری مدارک فنی"مورد نیاز مطابق اطلاعات مندرج در فایل Excel موجود در پایگاه جامع اطلاع رسانی شرکت ملی صنایع مس ایران می باشد.

در صفحه مربوط به فرم ارزیابی مستندات ثبت شده از بخش اطلاعات تکمیلی قابل مشاهده و انتخاب می باشند.

نکته ۱: دسترسی به فرم ارزیابی در پایگاه جامع اطلاع رسانی شرکت ملی صنایع مس ایران در قسمت معاملات شرکت کرده بعد از انتخاب موضوع مناقصه و اعلام آمادگی در مناقصه امکان پذیر می باشد.

نکته ۲: دریافت، تکمیل افضاه توسط صاحبان افضاهای مجاز مناقصی و بارگذاری فرم های ذیل، در بخش اسناد ارزیابی در پایگاه جامع اطلاع رسانی شرکت ملی صنایع مس ایران الزامی می باشد (مهم):

فرم Excel (مربوط به مناقصه فوق)

فرم آلف و ب الزامات ایمنی

نکته ۳: پس از انجام ارزیابی کیفی و مشخص شدن لیست شرکت‌های تأیید شده، تاریخ سایر زمانبندی انجام فرآیند مناقصه و ارائه پیشنهاد قیمت، متعاقباً به شرکت‌های تأیید شده اطلاع‌رسانی می‌گردد و شرکت‌های تأیید شده (حالتین حداقل امتیاز لازم) می‌بایست پیشنهاد و مدارک خود را در سه پاکت (الف، ب و ج) گزارده و در زمان اعلام شده به دبیرخانه حراست شرکت ملی صنایع مس ایران به نشانی تهران خیابان ولی عصر، نویسمه به پلک سامی، پلاک ۳۱۶۱ تحویل و رسید دریافت نمایند.

نقوضیات:

ارزیابی و سنجش توان و صلاحیت شرکت ها بر اساس شاخص ها و پارامترهای مندرج در فرم ارزیابی و اطلاعات فرم Excel صورت خواهد گرفت. لذا لازم است شرکت های مناقصی ضمن ورود اطلاعات دقیق در فرمت فایل Excel، تصویر فرم های تکمیل شده با مهر و امضای مجاز به همراه کلیه مدارک و مستندات مربوطه در پایگاه جامع اطلاع رسانی شرکت ملی صنایع مس ایران در بخش فرم ارزیابی بارگذاری نمایند.

کلیه متقاضیان جهت بارگذاری مدارک مورد نیاز آگهی مناقصه بایستی به (بخش اسناد و مستندات مورد نیاز حقوقی) و ب- در بخش اطلاع رسانی شرکت ملی صنایع مس ایران به آدرس الکترونیکی <https://dargah.nicico.com> و ورود با نام کاربری و کلمه عبور اختصاصی خود مراجعه نمایند. شایان ذکر است با توجه به آژیوم مدارک در سامانه، برای مناقصات بعدی نیازی به بارگذاری مجدد مدارک (صربا) اطلاعات حقوقی شرکت مناقصی مندرج در بند ب-۱ بخش ب) نمی‌باشد. اطلاعات بارگذاری شده در قسمت فرم ارزیابی پس از بارگذاری کلیه مدارک تا آخرین تاریخ پایان ارسال مدارک قابل

شرح خدمات در بخش جرثقیل ها:

۱. اقدامات لازم در خصوص آماده بکاری تمامی آسانسورها با توجه به شرایط خط تولید دستور العمل‌های شرکت سازنده و دستگاه نظارت
۲. چک و بازدید شبیتی، روزانه، هفتگی، ماهانه تمامی آسانسورها مطابق برنامه ابلاغی از سوی دستگاه نظارت
۳. اجراء برنامه نت (نگهداری و تعمیرات) در رابطه با آسانسورها مطابق برنامه ابلاغی از سوی دستگاه نظارت

ب-۲- در بخش فرم ارزیابی، بارگذاری مدارک فنی"مورد نیاز مطابق اطلاعات مندرج در فایل Excel موجود در پایگاه جامع اطلاع رسانی شرکت ملی صنایع مس ایران می باشد.

در صفحه مربوط به فرم ارزیابی مستندات ثبت شده از بخش اطلاعات تکمیلی قابل مشاهده و انتخاب می باشند.

نکته ۱: دسترسی به فرم ارزیابی در پایگاه جامع اطلاع رسانی شرکت ملی صنایع مس ایران در قسمت معاملات شرکت کرده بعد از انتخاب موضوع مناقصه و اعلام آمادگی در مناقصه امکان پذیر می باشد.

نکته ۲: دریافت، تکمیل افضاه توسط صاحبان افضاهای مجاز مناقصی و بارگذاری فرم های ذیل، در بخش اسناد ارزیابی در پایگاه جامع اطلاع رسانی شرکت ملی صنایع مس ایران الزامی می باشد (مهم):

فرم Excel (مربوط به مناقصه فوق)

فرم آلف و ب الزامات ایمنی

نکته ۳: پس از انجام ارزیابی کیفی و مشخص شدن لیست شرکت‌های تأیید شده، تاریخ سایر زمانبندی انجام فرآیند مناقصه و ارائه پیشنهاد قیمت، متعاقباً به شرکت‌های تأیید شده اطلاع‌رسانی می‌گردد و شرکت‌های تأیید شده (حالتین حداقل امتیاز لازم) می‌بایست پیشنهاد و مدارک خود را در سه پاکت (الف، ب و ج) گزارده و در زمان اعلام شده به دبیرخانه حراست شرکت ملی صنایع مس ایران به نشانی تهران خیابان ولی عصر، نویسمه به پلک سامی، پلاک ۳۱۶۱ تحویل و رسید دریافت نمایند.

کلیه متقاضیان جهت بارگذاری مدارک مورد نیاز آگهی مناقصه بایستی به (بخش اسناد و مستندات مورد نیاز حقوقی) و ب- در بخش اطلاع رسانی شرکت ملی صنایع مس ایران به آدرس الکترونیکی <https://dargah.nicico.com> و ورود با نام کاربری و کلمه عبور اختصاصی خود مراجعه نمایند. شایان ذکر است با توجه به آژیوم مدارک در سامانه، برای مناقصات بعدی نیازی به بارگذاری مجدد مدارک (صربا) اطلاعات حقوقی شرکت مناقصی مندرج در بند ب-۱ بخش ب) نمی‌باشد. اطلاعات بارگذاری شده در قسمت فرم ارزیابی پس از بارگذاری کلیه مدارک تا آخرین تاریخ پایان ارسال مدارک قابل

۳- در صورت نیاز و تأیید دستگاه نظارت انجام اقدامات اصلاحی

۴- همکاری جهت اخذ تأییدیه‌های لازم برای آسانسورها و تعدید آنها

۲- مدت اجرا: سه سال شمسی (شامل سه دوره یکساله)

۳- محل انجام کار: استان کرمان، ۱۲۰ کیلومتری شهر کرمان، مجتمع مس دره آلو

۴- پیش پرداخت: مطابق شرایط مندرج در اسناد مناقصه

۵- حداقل ماشین آلات و تجهیزات مورد نیاز جهت انجام کار

ب-۲- در بخش فرم ارزیابی، بارگذاری مدارک فنی"مورد نیاز مطابق اطلاعات مندرج در فایل Excel موجود در پایگاه جامع اطلاع رسانی شرکت ملی صنایع مس ایران می باشد.

در صفحه مربوط به فرم ارزیابی مستندات ثبت شده از بخش اطلاعات تکمیلی قابل مشاهده و انتخاب می باشند.

نکته ۱: دسترسی به فرم ارزیابی در پایگاه جامع اطلاع رسانی شرکت ملی صنایع مس ایران در قسمت معاملات شرکت کرده بعد از انتخاب موضوع مناقصه و اعلام آمادگی در مناقصه امکان پذیر می باشد.

نکته ۲: دریافت، تکمیل افضاه توسط صاحبان افضاهای مجاز مناقصی و بارگذاری فرم های ذیل، در بخش اسناد ارزیابی در پایگاه جامع اطلاع رسانی شرکت ملی صنایع مس ایران و معیارهای ارزیابی ارائه شده در فرم پیوست (با عنوان پاکت الکترونیکی "د") می باشد.

نکته ۳: ارائه مدارک فوق‌الذکر هیچ‌گونه حقی را برای متقاضیان جهت شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد و در زمان گشایش پاکت‌ها ابتدا پاکت "د" یاد شده اسناد مناقصه بر اساس معیارهای ارزیابی کیفی توسط کمیته ارزیابی بررسی می‌گردد و در صورتی‌که شرکت حداقل امتیاز لازم (متمیاز ۶۵) را کسب نماید، کمیسیون معاملات مناقصه گزار در خصوص تاریخ تحویل پاکت‌های "الف"، "ب" و "ج" اطلاع رسانی و سپس پاکت "الف" (ضمانتنامه شرکت در مناقصه) گشوده و سپس سایر مراحل گشایش پاکت‌ها مطابق شرایط مندرج در اسناد مناقصه صورت می‌پذیرد.

اطلاع رسانی درخصوص تمدید تمدت زمان آگهی مناقصه، صرفاً از طریق پایگاه جامع اطلاع رسانی شرکت ملی صنایع مس ایران به آدرس الکترونیکی <https://dargah.nicico.com> صورت می پذیرد.

در صورت ارائه درخواست همزمان مجموعه/ شرکت‌های وابسته به یک هلدینگ (شرکت‌های اصلی و فرعی) برای حضور در مناقصه تنها صلاحیت یک مجموعه/شرکت در فرآیند ارزیابی بررسی خواهد شد. کلیه هزینه های درج آگهی‌های مربوط به این مناقصه در روزنامه‌های سراسری پس از استعلام از امور اجتماعی و روابط عمومی شرکت ملی صنایع مس ایران به عهده برنده مناقصه می باشد و پس از انعقاد قرارداد از مطالبات وی کسر خواهد شد.

شرکت ها به صورت مشارکت و یا کنسرسیوم مجاز به حضور و ثبت نام در مناقصه نمی‌باشند. در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، شماره تلفن ۰۳۴-۳۱۶۲۶۹۰، جهت پاسخگویی به سوالات احتمالی در خصوص موارد حقوقی مندرج در متن آگهی و دسترسی به پایگاه جامع اطلاع رسانی شرکت ملی صنایع مس ایران و همچنین بارگذاری مدارک درخواستی ارائه می‌گردد.



سازمان صنعت، معدن و تجارت

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

روابط عمومی مجتمع مس درآلو

داریوش» و «پیمان»، دو جوان سوادکوهی، زندگی‌شان را پای مرال‌ها و جنگل‌های هیرکانی گذاشته‌اند

نگهبانان روح جنگل

بانگ چند گوزن در جنگل می‌پیچد. «پیمان» می‌گوید این «صداهای پسرانه» از گلوی مرال نر جوانی می‌آید که هنوز جفتی پیدا نکرده. دقیقه‌های بعد، ارتفاعات جنوبی ارفع‌کوه از صدای مرالی بزرگ به لرزه می‌افتد. در عصر یکی از آخرین روزهای فصل گاوپانگی، گوزن‌های قرمز هنوز سرمست‌اند. «تا چند سال پیش این‌همه بانگ مرال نبود.» «داریوش» می‌گوید «مرال‌ها می‌دانند که اینجا دیگر امن است» و «مرال‌ها می‌دانند» را محکم ادا می‌کند. آنها دوست و برادرند، نگهبانان این رانشنان بزرگ، محافظان مرال‌های تیزرو در یکی از آخرین نقاط بکر ایران.

| مهتاب جوادی |
 | روزنامه‌نگار |

جاده‌ای طولانی که بهره‌برداران جنگل آن را ساخته‌اند، به کلیه همیاران محیط‌زیست و این تابلو می‌رسد: «پایگاه حفاظت از محیط‌زیست و منابع‌طبیعی منطقه شکارممنوع سوادکوه». «داریوش احمدی‌فر» و «پیمان احمدی کلیچی» زندگی‌شان را پای حفاظت اینجا گذاشته‌اند.

داریوش از کودکی در خانه پدربزرگش، پشت ارفع‌کوه، داستان حیات‌وحش را از زبان دامدارها شنیده بود. «خرس درخت آلو را شکست و سیب‌های باغ را خورد یا فلائی گلی با شاخ‌های بلند شکار کرد.» هفت‌هشت‌ساله بود که پشت سر دامداری راه افتاد و یواشکی تا ارفع‌کوه رفت و ۱۶ساله بود که دو توله‌خرس را در مه دید. روزی محیطبانان را در حال گشت دید و شماره تلفشان را گرفت. از آن وقت کارش شده بود گزارش صدای تیر، حضور شکارچی در منطقه و کمک به محیطبانان و فراری دادن کبک‌ها از دست شکارچی. اکنون در آستانه ۳۲سالگی روبه‌روی کلبه‌ای ایستاده که پایگاه محیط‌زیست است.

رد داس، تیشه و تبر روی دست‌های «پیمان» جا خوش کرده. ۳۶سالگی نه صدای آواز و ساز محلی از زندگی‌اش کمد شده و نه عشق به جنگل و اصالتش. «پدربزرگ پدری و مادری‌ام در همین منطقه دلم‌سرا داشتند، یکی از پدربزرگ‌هایم لاک‌تراش بود، ظرف و ظروف چوبی می‌ساخت، مادرم از بچگی با دام‌های اینجا بزرگ شد و بعدها من هم عاشق اینجا شدم.» سال ۹۹ که با داریوش آشنا شد، سوادکوه تازه شکارممنوع شده بود. داریوش در اینستاگرام نوشته بود برای حفاظت به کمک نیاز دارم. «برایش پیام گذاشتم، جواب نداد. چند وقت بعد با یکی از دوستانم همراه بودم که گفت برویم خانه داریوش. آنجا با هم آشنا شدیم.»

داریوش و پیمان، از چهار سال پیش، همراه و برادر شدند. آوازهای مازنی و عشق به ارفع‌کوه و مرال‌ها آنها را به یکدیگر وصل کرد. شبی که برای نخستین بار یکدیگر را دیدند، مثل بلبل آواز سر داده بودند. پیمان خوانده بود: «بلین استاره، آی ژش کُفته، ونوشه اونمای دوش کُفته» (بگذارید ستاره‌ها حرکت کنند و بنفشه وحشی به‌ار بیایند) و داریوش جوابش داده بود: «جلوی عاشقی بازم نپوین، بلین ونه گلی سِریش کُفته.» (جلوی عاشقی‌کردن مرال‌ها را نگیرید، بگذارید بانگشان از گلو بیرون بیاید.) آنها دوستی را با صدای ساز و آواز یافتند و دیدند عشقشان به طبیعت تا چه حد همانند است. «خدا ما را با هم جور کرد تا این

یادداشت

بانگ مرال، صدای امید در دل جنگل



| فاطمه شیعی |

| کارشناس و فعال محیط‌زیست |

زندگی «چین گودال» نخست‌شناس برجسته‌ای به‌تازگی درگذشته است، به‌وضوح نشان داد امید، همراه با تلاش و پشتکار، می‌تواند به تغییرات مثبت و بزرگ منجر شود، امید بی‌پایان او

	<div>سازمان ثبت‌اسناد و املاک استان کشور <p>اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان کشور</p> <p>آگهی تعیین حدود اختصاصی</p> <p>نظر به اینکه تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۷۷/۷۲ مترمربع پلاک ۱۱ فرعی از پلاک ۲۸۴۵ اصلی واقع در بخش شهر پوشهر - برازجان چره سفلی مورد درخواست آقای جبار بارگاهی که از طرف آقای جعفر یاکیار به ایشان واگذار گردیده است، نامبرده در اجرای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی تقاضای ثبت نموده است و حسب تقاضای نامبرده که در اجرای ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقدسند رسمی درخواست انتشار آگهی تحدید حدود نموده است در روز ۱۴۰۴/۰۸/۱۷ در محل شروع به عمل خواهد آمد</p></div>
<div><div><div><div></div><div><div>نوبت اول</div></div></div></div><div></div></div>	
<div><div><div><div></div><div><div>نوبت اول</div></div></div></div><div></div></div>	

	<div>سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور <p>اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان سمنان</p> <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۳۳۹۱۰۰۹۴۴۲-۱۴۰۴-۲۹۹۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ هیات اول / موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شاهرود تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم محمد خاتم سید مهدی موسوی فرزند سید حبیب بشماره شناسنامه ۶ در ششدانگ یک باب مغازه به مساحت ۱۸۰ شاهرود مترمربع قسمتی از پلاک ۹۶۹ فرعی از ۱ اصلی واقع در باغزندان بخش ۲۰ خریداری باواسطه از عباسعلی عامریان محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت تقاضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۴/۰۷/۲۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم: یکشنبه ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ حمیدرضا حسین پور – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان شاهرود ششامه آگهی: ۲۰۱۶۹۷۴</div>
<div><div><div><div></div><div><div>نوبت اول</div></div></div></div><div></div></div>	
<div><div><div><div></div><div><div>نوبت اول</div></div></div></div><div></div></div>	

	<div>سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور <p>اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان کرمان</p> <p>اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منوجان</p> <p>هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۳۳۹۱۰۰۹۴۴۲-۱۴۰۴-۲۹۹۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ هیات اول / موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی حوزه ثبت ملک منوجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سعید سالاری مقدم فرزند اکبر بشماره شناسنامه ۹۱ صادره از منوجان در یک قطعه زمین جهت جمع‌با مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دلاخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت تقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ عباس جرجندی نسب – رئیس ثبت اسناد و املاک منوجان ششامه آگهی: ۲۰۲۵۳۶۶</div>
<div><div><div><div></div><div><div>نوبت اول</div></div></div></div><div></div></div>	
<div><div><div><div></div><div><div>نوبت اول</div></div></div></div><div></div></div>	

	<div>سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور <p>حوزه است ملک سلماس</p> <p>آگهی فندان سند مالکیت</p> <p>سند مالکیت ششدانگ یکبارگ یکلیف ساختمان به پلاک ۱۳۹۱ / ۱۹ - اصلی بخش ۱۳ سلماس دفتر ۵۷ صفحه ۲۳۶ ذیل ثبت ۴۲۲۲۶ به شماره چک ۲۹۱۰۹۵ بنام علی‌اکبر آقای مغفانجوقی فرزند حسین به شماره شناسنامه ۲۲ تاریخ تولد ۱۳۲۰/۰۴/۰۳ دارای شماره ملی ۲۸۵۱۴۱۱۵۴۲ ثبت، صادر و تسلیم شده است که مالک با ارائه درخواست و استشهاد محلی اعلام نموده که سند مالکیت اولیه مفقود گردیده است و درخواست المثنی نموده است فلذا موضوع طی یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی می‌گردد. چنانچه هر شخص نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در بالا ذکر نگردیده است یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد بایستی ظرف ده روز از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرشد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت سند مالکیت المثنی را برابر ماده ۱۱۰ آیین‌نامه قانون ثبت صادر خواهد کرد و در صورت ارائه سند مالکیت یا سند معامله صورتمجلس مبنی بر وجود آن نزد معترض در دو نسخه تنظیم و یک نسخه آن به متقاضی المثنی تسلیم واصل سند به دهنده آن مسترد می‌گردد.</p> رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دشتستان تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶ ششامه آگهی: ۲۰۲۵۳۶۹</div>
<div><div><div><div></div><div><div>نوبت اول</div></div></div></div><div></div></div>	
<div><div><div><div></div><div><div>نوبت اول</div></div></div></div><div></div></div>	

با چند نفر از اهالی جامعه محلی مجاور زیستگاه که صحبت کردم، آنها از تلاش «داریوش» و «پیمان» برای حفاظت از زیستگاه مرال گفتند و از صداقت در گفتار و کردار آنها و از زحماتشان برای آموزش جامعه محلی، دامداران و کشاورزان در هر فرصتی که به‌دست می‌آید، تمجید کردند و احیای مرال و آموزش و روستاهای اطراف حامی مرال شده‌اند و به حیات‌وحش و حفظ زیستگاه حساس شده‌اند و اگر صدای تیری بشنوند یا تردد مشکوکی ببینند، احساس مسئولیت می‌کنند و سریع به داریوش زنگ می‌زنند؛ گویی اهالی روستا همه عضو انجمن سبز هیرکانی هستند.

این روایت کوتاه و موج‌ز از دو جوان مازندرانی است که عشق به سرزمین و تنوع‌زیستی آنها را به دامنه کوه‌ها و دل جنگل‌ها کشانده است و روزهای زیادی را دور از فضای شهری و خانواده عاشقانه و پیگیر، به‌دنبال زد مرال‌های ایرانی و ایجاد فضایی امن تر برای آنها هستند. این حال و روز تنها مربوط به این دو جوان مازندرانی

سوادکوه بیش از هر چیز، به‌دلیل نیاز شدیدم به شنیدن فریاد رسای امید در طبیعت و از طبیعت بود.

در پیمایش منطقه، دو نفر از اعضای «انجمن سبز هیرکانی» که همراهی می‌کردند؛ یکی جوانی دهه هفتادی که ۱۲ سال است داوطلبانه در این منطقه و برای حفظ و احیای مرال و آموزش و همراهی جامعه محلی تلاش می‌کند و دیگری پدری جوان که رؤیای بزرگ شدن پسرش دو ساله‌اش را دارد تا بتواند او را به منطقه بیازود و حیات‌وحش را از نزدیک به او معرفی و داستان مرال‌ها را برایش بگوید. عشق به مرال و زیستگاهش و حفاظت از آن، چنان انگیزه‌ای در آنها ایجاد کرده بود که روزها و شب‌های زیادی را بدون قیل‌وقال و ادعا و فارغ از غوغای جهان در این منطقه می‌گذراندند. در خاطرانشان از تلاش برای حفاظت در یرف و سرمای زیر صفر تا فصل شرجی و گرمای تابستان می‌گفتند و وقتی درباره مشاهده مرال‌ها و ماده و گوساله‌هایشان حرف می‌زدند، می‌توانستی نور امید را در چشمانشان ببینی.

تقیم

داریوش» و «پیمان»، دو جوان سوادکوهی، زندگی‌شان را پای مرال‌ها و جنگل‌های هیرکانی گذاشته‌اند

نگهبانان روح جنگل

بانگ چند گوزن در جنگل می‌پیچد. «پیمان» می‌گوید این «صداهای پسرانه» از گلوی مرال نر جوانی می‌آید که هنوز جفتی پیدا نکرده. دقیقه‌های بعد، ارتفاعات جنوبی ارفع‌کوه از صدای مرالی بزرگ به لرزه می‌افتد. در عصر یکی از آخرین روزهای فصل گاوپانگی، گوزن‌های قرمز هنوز سرمست‌اند. «تا چند سال پیش این‌همه بانگ مرال نبود.» «داریوش» می‌گوید «مرال‌ها می‌دانند که اینجا دیگر امن است» و «مرال‌ها می‌دانند» را محکم ادا می‌کند. آنها دوست و برادرند، نگهبانان این رانشنان بزرگ، محافظان مرال‌های تیزرو در یکی از آخرین نقاط بکر ایران.

منطقه را حفظ کنیم. ما خیلی شبیه هم‌ایم.» پیمان دوباره با سوز، دم می‌گیرد: «ارفع‌کوه سر سوره نکوشین/ مسب اشکاره چمر ره نکوشین/بلین چشمه سر جم بیوشن، جم/ جنگله جفته گکی ره نکوشین» (نور بلندی ارفع‌کوه را اِبا کشتن مرال| خاموش نکند|بانگ مرال مست را خاموش نکند|بگذارید آنها سر چشمه‌های جمع شوند/جفت کوکوی جنگلی را نکشید.)

راه آنها از آن زمان یکی شد. پیمان یک‌تخته با چوب و مصالحی ساده رودرووی انبوه درختان راش، افرا، بارکک، بلوط و سرخدا به‌جای چادر گاوپانگی، کلبه‌ای کوچک ساخت و پیوند دوستی محکم‌تر شد. یک بخاری هیزمی، پیک‌نیک، پتو و چند کتاب، اندک وسایل این کلبه‌اند، با فانوسی بر دیوار به نشانه امید؛ هم کلبه آباد شد، هم زیستگاه. در منطقه آب‌خوش ساختند تا حیوانات تشنه نمانند. آنها امسال بعد از چهار سال دوستی و همراهی، با گوشت و پوستشان نتیجه حفاظت و تلاش‌هایشان را فهمیده‌اند، قلبشان پر از امید و اضطراب است.

آرزوی پیمان این است که داریوش را در لباس محیطبانی ببیند. «آن لحظه را مدام تصور می‌کنم که داریوش موتور محیط‌زیست دارد و من ترکش می‌نشیم، آن روز که داریوش مأمور دولت و ضابط قضائی است و شکارچی‌های غیرمجاز، آنها که به منطقه دست‌درازی می‌کنند، نتشان می‌لرزد.»

| مرال امید ماست

داریوش و پیمان تصویر مرال لنگ را چهار سال قبل در دوربین‌های تله‌ای دیده بودند و با خودشان گفته بودند زمستان را چطور به سر می‌کنند؟ می‌تواند با نرها یا دیگر رقابت کند؟ با این دست آسیب‌دیده چطور از شکارچی‌ها می‌گریزد؟ این اضطراب همیشه با آنها بود تا بهار امسال که پیمان از دور صدای «لک‌کوک» شنید (مرالی شاخش را به درخت می‌سایید). آهسته آهسته نزدیک شد و پشت درختی کمین کرد. مرال نر همیشه غیرعادی راه می‌رفت. زیادی روی دستش تکیه می‌کرد و تتش را به‌سختی می‌کشید. ناگهان دید مرال لنگ تنها نیست؛ یک ماده کنارش بود. پیمان جلوتر رفت. «از پشت درخت می‌دیدم که شاخش را به درخت می‌ساید. فقط یک متر و نیم فاصله داشتیم. باورکردنی نبود. ماده به سمتم حرکت کرد. دیگر صدای پایش را می‌شنیدم. جلویم ایستاد و یک بوته غلف گذاشت توی دهنش.» در تصویری که از این لحظه



شکارچی حکم گرفتیم و در خانه‌شان لاشه گوزن پیدا شد.» دروبین‌های تله‌ای منطقه شکارممنوع سوادکوه آقلاین است و از چند سال پیش تعویض نشده؛ بعضی‌شان تصاویری قرمز و خراب ثبت می‌کنند. داریوش و پیمان می‌گویند داشتن دوربین‌های تله‌ای آنلاین برای باخبرشدن از وضع حیات‌وحش و جنگل آرزویی دور است و همین حالا برای استفاده از همین تجهیزات قدیمی هم سختگیری زیاد است.

| گمان می‌رفت که شوکایی نیست

سوادکوه خطالراسی است به مرکزیت قله ارفع‌کوه که دورتا‌دور آن زیستگاه است. جنوب آن صخره‌ای و زیستگاه گل و بز است و مرال‌ها در بخش شمالی زیست می‌کنند. اینجا که در محاصره ۲۵ روستا و معادن بسیار است و جاده تهران-شمال و راه‌آهن از آن عبور می‌کند، تا قبل از سال ۹۷ منطقه‌ای آزاد بود که سازمان محیط‌زیست در آن مجوز شکار می‌فروخت. شکارچی به جایی می‌آمد که هم بکک چیل و کیوتر جنگلی داشت، هم مرال و خرس و قوچ و میش. شکارچیان هم روز آخر هفته، با مجوز شکار چهار قطعه می‌روند و این سال‌ها چند بار دوربین ما را دزدیدند تا خراب کردند. بارها بعد از دیدن فیلم دوربین‌ها و شناختن شکارچی‌ها، به خانه آنها رفتیم و صحبت کردیم که برای شکار به منطقه نایبند. دوربین تله‌ای در کارمان خیلی مؤثر است؛ پارسل بعد از دیدن فیلم چند

نیست و فعالان بی‌ادعا و تلاشگری هم‌اکنون در بسیاری از نقاط ایران هستند که باید اعتراف کرد اگر محیط‌زیست نفسی می‌کشد و به‌رغم فشارها و سختی‌ها هنوز از پای نبقاشد، مرحوم زحمات آنهاست که به‌هیچ چشم‌داشتی همچنان در میدان هستند. پایمردی آنها برای دستیابی به اهدافشان و حفاظت بهینه از حیات‌وحش و تنوع‌زیستی، بهترین کلاس و دوره آموزشی برای هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی، پشتکار و حرکت با محور امید به اصلاح و تغییر شرایط نامناسب به شرایط مناسب است.

این جوانان و جوانان دیگری از این جنس میراث‌دار این بیت از مولانا هستند: «تو مگو همه به جنگند و ز صلح من چه آید/تو یکی نه‌ای هزاری، تو چراغ خود برافروز» این بیت با توصیه به کنشگری، قدرتی را به رخ می‌کشد که چین گودال نیز به آن اشاره می‌کند: «آنچه شما انجام می‌دهید، تغییر ایجاد می‌کند و شما باید تصمیم بگیرید که می‌خواهید چه نوع تغییری ایجاد کنید.»

	<div>سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور <p>حوزه است ملک سلماس</p> <p>آگهی فندان سند مالکیت</p> <p>سند مالکیت ششدانگ یکبارگ یکلیف ساختمان به پلاک ۱۳۹۱ / ۱۹ - اصلی بخش ۱۳ سلماس دفتر ۵۷ صفحه ۲۳۶ ذیل ثبت ۴۲۲۲۶ به شماره چک ۲۹۱۰۹۵ بنام علی‌اکبر آقای مغفانجوقی فرزند حسین به شماره شناسنامه ۲۲ تاریخ تولد ۱۳۲۰/۰۴/۰۳ دارای شماره ملی ۲۸۵۱۴۱۱۵۴۲ ثبت، صادر و تسلیم شده است که مالک با ارائه درخواست و استشهاد محلی اعلام نموده که سند مالکیت اولیه مفقود گردیده است و درخواست المثنی نموده است فلذا موضوع طی یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی می‌گردد. چنانچه هر شخص نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در بالا ذکر نگردیده است یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد بایستی ظرف ده روز از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرشد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت سند مالکیت المثنی را برابر ماده ۱۱۰ آیین‌نامه قانون ثبت صادر خواهد کرد و در صورت ارائه سند مالکیت یا سند معامله صورتمجلس مبنی بر وجود آن نزد معترض در دو نسخه تنظیم و یک نسخه آن به متقاضی المثنی تسلیم واصل سند به دهنده آن مسترد می‌گردد.</p> رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دشتستان تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶ ششامه آگهی: ۲۰۲۵۳۶۹</div>
<div><div><div><div></div><div><div>نوبت اول</div></div></div></div><div></div></div>	
<div><div><div><div></div><div><div>نوبت اول</div></div></div></div><div></div></div>	



رئیس جمهوری در اصفهان: دولت به حل چالش کشاورزان اصفهان اهتمام دارد. کارشناسان: چگونه؟

وعده مبهم پزشک‌های اصفهان به کشاورزان

تأمین نشدن حقایق زارعان اصفهانی سال گذشته، موجب منازعه بزرگی میان مردم دو استان اصفهان و یزد بر سر آب در نخستین روزهای بهار شده بود

ایمام‌پهرو و تابستان برای کشاورزان اصفهانی پر از چالش بود. سال را با تلاش برای قطع خط لوله انتقال آب از اصفهان به یزد شروع کرده بودند و با وجود همه تلاش‌ها برای تحقق حقایق، دست‌آخ‌ر حتی در بخش کشت دیم هم به مشکل خوردند: آبی در سد زاینده‌رود برای تحویل به کشاورزان اصفهان وجود نداشت. وزارت نیرو و اعلام کرده است چاره‌ای جز کاهش توسعه اراضی باغی و زراعی در این حوضه آبریز ندارد. کشاورزان می‌پرسند پس معیشت و شغل ما چه می‌شود؟ رئیس جمهوری به اصفهان سفر کرده است و به کشاورزان قول داده مشکلاتشان را حل کند. کارشناسان اما می‌گویند: پزشک‌های اصفهان وعده سر خرمن داده است. کشاورزی اصفهان و استان‌های برداشت‌کننده از زاینده‌رود باید کوچک شود، راه دیگری نیست.

دولت چهاردهم اهتمام ویژه‌ای به حل چالش کشاورزان اصفهان دارد و در این راستا کارگروهی ویژه، متشکل از نخبگان و اساتید برجسته دانشگاهی حوزه

آب، مأمور شده‌اند برنامه‌ای اجرایی و جامع برای حل این معضل ارائه دهند. اینها، جمله‌های مسعود پزشک‌های اصفهان، رئیس دولت چهاردهم در اصفهان و در جمع

مجلس با محوریت آب و کشاورزی برگزار شده بود. در مورد برنامه‌ریزی برای رفع چالش بخش کشاورزی در اصفهان توضیح داد: «این برنامه دربرگیرنده تمامی ابعاد موضوع از جمله جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی خواهد بود. البته هرگونه مداخله و تصمیم دولت در این مورد، نیازمند بررسی دقیق عوارض و تبعات آن است، نخبگان و اساتید دانشگاهی در حال مطالعه و تدوین راهکارهای علمی و عملی در این زمینه هستند و امیدواریم با اجرای این راهکارها بتوانیم تعادل را به طبیعت کشور، به‌ویژه در استان اصفهان، بازگردانیم.»

تقصیر ما نبود

پزشک‌های اصفهان گفتند: «دولت چهاردهم وارث ناترازی‌های متعدد به‌ویژه در حوزه آب است، نه مسبب آن. با نگاهی به چالش‌های پیش‌آمده برای مردم مناطق مختلف کشور در حوزه آب، درمی‌یابیم که بخش عمده‌ای از این مشکلات ناشی از بی‌تدبیری مدیران ادوار گذشته در توسعه نامتوازن کشور است.»

او همچنین در بخش دیگری از صحبت‌هایش می‌گوید: «برداشت‌های بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی موجب شده است پدیده فرونشست زمین به یکی از معضلات جدی کشور، به‌ویژه در استان اصفهان، تبدیل شود. با وجود این شرایط، همچنان برخی نمایندگان محترم مجلس، از طرق مختلف، بر دولت فشار می‌آورند تا مجوزهای جدیدی در زمینه توسعه دریافت کنند، درحالی‌که باید واقع‌بینانه به محدودیت منابع نگرست و از تصمیمات غیرکارشناسی پرهیز کرد.»

اصافه‌برداشت از حوضه آبریز زاینده‌رود طی سال‌ها شرایطی را رقم زد که سال ۱۴۰۴ با اعتراض گسترده کشاورزان اصفهانی آغاز شد. گروهی از این کشاورزان در آخرین روز نوروز ۱۴۰۴، لوله‌های خط انتقال آب به یزد را شکستند؛ اتفاقی که برای حدود دو هفته در تأمین آب شرب شهر یزد اختلال ایجاد کرد.

از آن زمان دولت متعهد شده است مشکل تأمین حقایق کشاورزان این استان را رفع کند. باوجوداین، تا پایان تابستان اصمال بخش قابل‌توجهی از کشاورزان، حقایق خود را دریافت نکرده و حتی اراضی دیم دچار بی‌آبی شده‌اند.

وعده به خرمن

مجتبی حسینی»، کارشناس کشاورزی پایدار، اما معتقد است وعده‌های رئیس‌جمهوری برای حل مشکلات کشاورزان در این حوضه آبریز چندان قابل‌اجرا نیست و بیشتر «وعده سر خرمن» است. او توضیح می‌دهد: «تمام شاخص‌های زیست‌بومی نشان می‌دهند

حوضه زاینده‌رود بارگذاری اضافی قابل‌ملاحظه‌ای در بخش آب دارد و مصارف از منابع پیشی گرفته است. خود دولت هم بر این موضوع اذعان دارد. اصلی‌ترین راه‌حل پیش رو رفع این ناترازی از طریق حذف اضافه بارگذاری آب است که بخش قابل‌توجهی از این اضافه‌برداشت مربوط به بخش کشاورزی است؛ نه فقط در مورد استان اصفهان، بلکه این اضافه‌برداشت در مورد استان چهارمحال‌وبختیاری هم صدق می‌کند. بنابراین، برای رفع بخش قابل‌توجهی از مشکل آب در استان اصفهان، شما باید سطح زیرکشت کشاورزان را کاهش دهید و جانمایی صنایع را عوض کنید. آیا دولت قادر به انجام این کار است؟»

او ادامه می‌دهد: «برای مسئله زاینده‌رود اقدامات متنوع و راه‌های زیادی وجود ندارد. یکی راهکارهای فوری تخصیص منصفانه و عادلانه آب، طبق اولویت‌بندی‌های قانونی است که عملاً چون منابع آب بسیار کم شده است؛ پس سهم هر یک از ذی‌نفعان هم کم خواهد شد. این دقیقاً همان موضوع محل اعتراض جامعه کشاورزی در اصفهان است. راه‌حل درست، بلندمدت و البته اثرگذار آن اما، حذف اضافه بارگذاری است که به دلایل زیادی دولت از پس آن بر نمی‌آید؛ خصوصاً چون دولت فقیر است. چون باید بتواند حداقل در بخش کشاورزی با پرداخت حق «نکاشت» و خسارت و ایجاد معیشت جایگزین سطح زیرکشت را کم کند؛ هم کشاورز را از بن‌بست نجات دهد و به احیای زاینده‌رود و تغذیه آبخوان اصفهان کمی کمک کند.»

فروردین امسال، وقتی دعوی کشاورزان اصفهانی با استان همسایه بالا گرفته بود، سخنگوی صنعت آب برنامه‌های وزارت نیرو را در این بخش این‌گونه اعلام کرده بود: «وزارت نیرو برای حذف اضافه بارگذاری آبی در بخش صنایع، استفاده از آب‌های نامتعارف مانند پساب‌ها و آب دریا و بازچرخانی آب است. در بخش شرب و بهداشت، مدیریت مصرف ۲۵ درصدی با استفاده از تجهیزات به‌روز و کارآمد در ساختمان‌ها و نیز تغییر رفتار شهروندان بدمصرف و پرمصرف است. در بخش کشاورزی نیز این برنامه شامل مقابله با برداشت‌های غیرمجاز در هر دو بخش آب‌های سطحی و زیرزمینی و نیز کاهش بارگذاری‌های آبی برای توسعه اراضی باغی و زراعی در حد توان اولویت‌بندی حوضه است.»

حالا کارشناسان بخش کشاورزی، از جمله حسینی، در مورد سخنان رئیس‌جمهوری می‌پرسند اگر برنامه کاهش بارگذاری و توسعه اراضی باغی و زراعی در این بخش است، پزشک‌های اصفهان باید توضیح دهند دقیقاً منظورشان از رفع مشکل کشاورزان اصفهانی چیست؟

است. این تالاب با وسعت ۴۷۰ کیلومترمربع در سال ۱۳۵۴ به‌عنوان تالاب بین‌المللی در کنوانسیون بین‌المللی رامسر به ثبت رسیده است. خشکی رودخانه زاینده‌رود و تأمین نشدن حقایق محیط‌زیستی تالاب، باعث آسیب جدی به این تالاب بین‌المللی و درنهایت تبدیل آن به کانون گردوغبار شده است.

موضوع دیگری که از دنباله‌های وضعیت کاهش شدید رواناب در زاینده‌رود محسوب می‌شود، تأمین آب شرب فعلی شهر اصفهان و پنج میلیون نفر از شهرنشینان برای دو ماه آینده بوده است. با توجه به وضعیت ذخیره فعلی آب در مخزن سد زاینده‌رود که حدود ۱۵۰ میلیون مترمکعب است، تأمین آب پایدار مجموعه‌ای از شهرهای تحت شبکه آبرسانی از این سد که شامل اصفهان، یزد، کاشان و غیره است، با ابهام جدی روبرو است. تمام این موارد یک طرف ماجراست. در طرف دیگر مشاهده می‌شود برنامه‌ریزی برای گسترش شهرها و ساخت واحدهای مسکونی و درنتیجه افزایش بارگذاری ادامه دارد. به‌عنوان مثال، فقط در سپاهان‌شهر اصفهان ده‌ها هزار واحد مسکونی در اراضی این شهرک در حال ساخت است. نمونه‌های دیگر، رشد بخش کشاورزی در استان چهارمحال‌وبختیاری با استفاده از جریان آب رودخانه زاینده‌رود در

رواناب‌های جاری در رودخانه شد و بعد از افزایش سطح زیرکشت کشاورزی زراعی و باغی در بالادست و پایین‌دست «سد زاینده‌رود»، از سال ۱۳۸۶ به‌تدریج جریان دائمی خود را در کل مسیر از دست داد و درنهایت به رودخانه‌ای فصلی و سپس در شرایط فعلی به رودخانه‌ای خشک تبدیل شد. گرچه یکی از دلایل خشکی زاینده‌رود عوامل طبیعی مانند کاهش ارتفاع برف و سرچشمه‌های آن، مانند ارتفاعات کوهستانی «زردکوه» و «چلگرد» است، ولی پدیده افزایش گرمایش متوسط سالانه و تغییرات اقلیم نیز درنهایت از عوامل کاهش دبی آب ورودی زاینده‌رود محسوب می‌شود و درعین‌حال اقدامات و خطاهای انسانی نیز در خشکی زاینده‌رود دخیل بوده‌اند که کماکان نیز این اقدامات تخریبی ادامه دارند.

تالاب گاوخونی در انتهای این رودخانه در شرق اصفهان و در ۳۰ کیلومتری شهرستان ورزنه و به‌عبارتی، در فلات مرکزی واقع شده

میراث طبیعی کشور قرار گرفت. به‌طور معمول میراث‌های طبیعی ثبت‌شده به‌علت برخورداری از محوطه‌های طبیعی، تاریخی، پدیده‌ها و نمونه‌های ارزشمند گیاهی، جانوری و زیستگاه‌ها باید تحت حفاظت و بهره‌برداری پایدار قرار گیرند و رودخانه زاینده‌رود نیز، به‌عنوان یکی از میراث‌های طبیعی کشور، قاعداً باید این‌گونه باشد.

زاینده‌رود بزرگترین رودخانه فلات مرکزی ایران است که از کوه‌های زاگرس مرکزی سرچشمه می‌گیرد و به‌سمت شرق حدود ۲۰۰ کیلومتر پیش می‌رود و سپس با عبور از شهر تاریخی «ورزنه» درنهایت به تالاب گاوخونی می‌ریزد. حوضه آبریز رودخانه زاینده‌رود ۴۱ هزار و ۵۰۰ کیلومترمربع وسعت دارد و برآورد می‌شود جریان آب این رودخانه در مطلوب‌ترین شرایط به ۱.۲ میلیارد مترمکعب در سال برسد. این رودخانه در دهه ۷۰ و پس از فاز نخست انتقال آب به شهر یزد، به‌تدریج دچار کاهش شدید

زاینده‌رود یا توسعه کشاورزی؟



محسن موسوی خوانساری | دبیر کمیته ملی سدهای ایران

در سال ۱۳۸۲ هجدهم مهر از سوی تشک‌های محیط‌زیستی، استان اصفهان و استان چهارمحال‌وبختیاری به‌عنوان روز نکوداشت زاینده‌رود نام‌گذاری شد تا فعالان و کنشگران محیط‌زیست بتوانند توجه مردم و مسئولان را به این رودخانه جلب و از خشکیدن تدریجی آن جلوگیری کنند. در همین ارتباط نیز در سال ۱۳۸۹ رودخانه زاینده‌رود به‌عنوان یک اثر طبیعی از سوی وزارت میراث‌فرهنگی (آن زمان سازمان بود)، در فهرست

بالادست، در سالیان اخیر به‌شکلی بوده که یک روز قبل از نکوداشت روز زاینده‌رود، یعنی در ۱۷ مهر همین امسال، جشنواره بادام در شهرستان «سامان» این استان برگزار می‌شود و مسئولان استان اظهار می‌کنند ۱۴ درصد تولید بادام کشور متعلق به ۱۵ هزار هکتار اراضی باغی شهرستان‌های سامان و «پن» است و این را افتخاری بزرگ برای استان چهارمحال‌وبختیاری محسوب می‌کنند.

مجموعه‌ای از این تضادها و مغایرت‌هایی که میان مطالبه مردم و قوانین موجود برای پایداری و احیای اکوسیستم در این ناحیه از سرزمین ایران وجود دارد، از یک طرف و اقداماتی که باعث افزایش بارگذاری و ناپایداری سرزمین می‌شود از طرف دیگر، باعث می‌شود احیای زاینده‌رود درنهایت به یک بن‌بست ختم شود و در واقعیت نتوان اهداف توسعه پایدار را در آن پیاده کرد. مدیران ارشد کشور و استان‌های متنفذ از رودخانه زاینده‌رود عامل کلیدی ادامه افزایش بارگذاری‌ها یا احیای زاینده‌رود و تالاب گاوخونی فقط یکی را انتخاب کنند؛ زیرا انجام هر دو عامل حداقل در حوضه آبریز زاینده‌رود امکان‌پذیر نیست.

نوبت دوم



شرکت آب و فاضلاب استان همدان
(سهامی خاص)

آگهی تملک اراضی (مرحله دوم)

به اطلاع می‌رساند **شرکت آب و فاضلاب استان همدان** در صدد تملک اراضی کشاورزی جهت احداث مخزن واقع در اراضی روستای گزل ایبال از توابع شهرستان کبودرآهنگ در محدوده مشخص شده در نقشه می‌باشد، لذا بدینوسیله از تمامی مالکین و صاحبان عرصه و امیانی مشخص شده، دعوت می‌گردد ظرف مدت **۱۵ روز** از تاریخ انتشار این اطلاعیه ضمن معرفی کارشناس رسمی دادگستری با در دست داشتن اسناد و مدارک مالکیت خود به دفتر حقوقی شرکت آب و فاضلاب استان همدان به نشانی: همدان - میدان بیمه - جنب ثبت احوال شرکت آب و فاضلاب استان همدان مراجعه نمایند.



تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶

شرکت آب و فاضلاب استان همدان

شهرداری کرمان

آگهی مناقصه عمومی

سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری کرمان در نظر دارد جهت خرید تجهیزات دیتاستر به شرح ذکر شده در اسناد مناقصه به‌صورت نقد با مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۹.۷۵۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال از طریق برگزاری مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام نماید. کلیه شرکت‌های واجد شرایط، می‌توانند جهت خرید اسناد مناقصه از مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۰ لغایت ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ و جهت تسلیم پیشنهادات تا مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ از طریق سامانه www.setadiran.ir اقدام نمایند. بازگشایی پاکت‌ها مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ انجام می‌شود. سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه و اطلاعات تکمیلی آگهی در سایت شهرداری kermancity.ir مندرج گردیده است.

مدیریت ارتباطات و امور بین الملل شهرداری کرمان

نوبت اول

فراخوان مناقصه عمومی

K- شماره ۳۸۸-۰۴

خرید تصحیح‌کننده الکترونیکی

از کلیه تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان واجد شرایط که دارای استانداردهای مورد تأیید مربوط می‌باشند، به‌منظور شرکت در این مناقصه دعوت به عمل می‌آید.

- **منافسه‌گذار:** شرکت گاز استان فارس
- **شماره‌تلفن واحد مناقصات:** ۰۷۱۳۸۱۱۴۰۴۵
- **شماره نمابر:** ۰۷۱۳۸۱۱۴۰۳۵
- **کالا (تاییدیه نمابر):** ۰۷۱۳۸۱۱۴۰۱۴
- **موضوع مناقصه:** خرید تصحیح‌کننده الکترونیکی
- **نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:** کلیه شرکت‌های متقاضی برای شرکت در مناقصه باید ضمانت‌نامه معتبر بانکی و یا یک یا ترکیبی از تضمین‌های آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۳۳۴۰۲ مصوب هیات وزیران مورخ ۹۴/۹/۲۲ و اصلاحیه‌های بعدی آن، به مبلغ ۶,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (شش میلیارد و صد میلیون) ریال و قابل‌تمدید به مدت ۳ ماه را به‌عنوان تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ارائه نمایند.
- **نحوه شرکت در مناقصه، مهلت و محل ارسال مدارک:**
- **شماره فراخوان مناقصه در سامانه ستاد، ۰۷۱۳۸۱۱۴۰۳۵-۲۰۰۴-۹۲۵۸۶۰۰۰۸۴ می‌باشد. متقاضیان برای شرکت در مناقصه می‌بایست:**
- **الف:** نامه اعلام آمادگی خود را به این شرکت نامبر نمایند.
- **ب:** برای دریافت اسناد مناقصه، از طریق نشانی

تاریخ چاپ نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶ - تاریخ چاپ نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷

روابط عمومی شرکت گاز استان فارس

عکس نوشت

عکس: ایرج افشار



احمدی‌رضا محمدی - روزنامه‌نگار از این عکس بی‌نظیر حالا درست نیم‌قرن می‌گذرد. تصویری که برجسته‌ترین معاریف و مشاهیر فرهنگ ایران معاصر، در یک قاب و کنار هم جای گرفته‌اند؛ آتانی که هر یک، به‌تنهایی، کسی برای خود بودند و نامشان کتابی و کلاسی را کفایت بود. حضور «سیدجعفر شهیدی»، «حبیب یغمایی»، «اصغر مهدوی»، «عبدالرحمان عمادی»، «مهدی محقق»، «محمدتقی دانش‌پژوه»، «مجتبی مینوی»، «عبدالوهاب نورانی‌وصال»، «کیکاووس جهان‌داری»، «ضیاءالدین سجادی»، «محمدامین ریاحی» و «علی ولوبکاشی»، در حاشیه ششمین کنگره تحقیقات ایرانی بود که اول تا ششم شهریور ۱۳۵۴ در دانشگاه آذربایجان (تبریز کنونی) برگزار شد. سلسله‌گردهمایی‌هایی با چنان مرتبتی از اتقان و اعتبار که مهم‌ترین ایران‌شناسان و اسلام‌پژوهان جهان می‌کوشیدند نتیجه آخرین پژوهش‌هایشان را در آن عرضه کنند.

هفت زن، هشت قنات، یک رؤیا



نینا امین‌زاده | تسهیلات

جدید از راه می‌رسند و به این گروه ملحق می‌شوند؛ گروهی که حالا صدای بیش از ۱۵۰ زن را در خود دارد و هر روز به این صداها اضافه می‌شود. با قوی شدن گروه گوجینو از نظر اقتصادی، آنها تصمیم گرفتند ۱۵ درصد از درآمدشان را به منفعتی جمعی اختصاص دهند. آن جلسه را به‌خوبی به یاد دارم و اسم این قدم زنان گوجینو را جسارت می‌گذارم؛ وقتی که قنات به‌عنوان این منفعت جمعی انتخاب شد. فکر می‌کنم هیچ واژه‌ای نمی‌تواند طاقت‌فرسا بودن این تصمیم را به‌خوبی به تصویر بکشد، ولی شاید اگر فقط برای چند ثانیه به زن و قنات فکر کنیم، بتوانیم واژگانی مثل جنگ و صلح و یا خشکی و آبادانی و یا روزمرگی و نوآوری را به یاد آوریم. جنگ و خشکی در منطقه‌ای که هر روز شاهد از دست‌رفتن ارزشمندترین میراث‌فرهنگی‌اش بود، به صلح رسید. آبادانی هشت قنات تابه‌امروز، به دست زنان نوآور گوجینو. و امروز روستای شفیق‌آباد ثبت جهانی شد. شاخص‌های سازمان جهانی گردشگری را که خواندم، متوجه شدم زنان گوجینو یک قدم بزرگ برای این افتخار برداشته‌اند. اسم این قدم را بخشش می‌گذارم. آنان در طی سال‌های گذشته با صبر، ایستادگی و تلاش بخش زیادی از این شاخص‌ها را به روستا و منطقه خود اهدا کرده بودند. اما درست در میانه این‌همه ایثار، گویی باید دوباره به ۱۰ سال پیش برمی‌گشتند؛ این‌بار نه برای تغییر نگاه جامعه که برای تغییر نگاه مسئولین و دست‌اندرکاران دولتی به نقش زن، زنان گوجینو نعتنبا با همه مطالبه‌گری‌شان به مراسم این روز بزرگ در چین دعوت نشدند که حتی عکسی از آنها در پوست‌ترهای تبلیغاتی نیست؛ باز صدایشان شنیده نشد و دیده نشدند. تنها یک سؤال دارم: در معیار پایداری اجتماعی برای ثبت جهانی این روستا، شاخص عدالت اجتماعی برایتان معنا داشت؟ شاید زنان گوجینو نیز به برداشتن یک قدم دیگر دارند؛ من اسم این قدم را ایستادگی می‌گذارم.

دیدگاه | آنچه سلبریتی‌ها بر سر ادبیات می‌آورند

شعر؛ شهر بی‌دفاع



علی ملازاده | روزنامه‌نگار

در سال‌های اخیر، یکی از چالش‌های قابل‌توجه در فضای رسانه‌ای و فرهنگی ایران، پدیده نسبت دادن نادرست اشعار یا خواندن و خوانش اشتباه آنها در برنامه‌های پرمخاطب فرهنگی و تلویزیونی است. در بسیاری از موارد، مجریان با کارشناسان چنین برنامه‌هایی ایباتی را به شاعران بزرگ نسبت می‌دهند که اصلاً متعلق به آنها نیست. نکته نگران‌کننده آنجاست که بخش اعظم این اشتباه‌ها در برنامه‌های ضبط‌شده و تدوین‌شده رخ می‌دهد، یعنی حتی با وجود فرصت بررسی و ویرایش، تولیدکنندگان و مجریان به درستی آن توجه نمی‌کنند. این پدیده خطایی کوچک نیست؛ باید آن را نشانه‌ای از روندی گسترده‌تر در حوزه فرهنگ و رسانه دانست که به‌نوعی ساده‌سازی و بی‌دقتی فرهنگی در عصر دیجیتال منتهی شده است. در کتاب «نمود خود در زندگی روزمره» توضیح می‌دهد افراد در تعاملات اجتماعی مدام و مستمر در حال «نمایش‌دادن خود» هستند تا در ذهن دیگران تصویری مطلوب ایجاد کنند. در این چارچوب، مجریان و چهره‌های رسانه‌ای همانند «بازنگرانی» اجتماعی عمل می‌کنند که می‌کوشند چهره‌ای آگاه، فرهیخته و ادیب از خود ارائه دهند. خواندن شعر یا نقل‌قول از شاعران کلاسیک فارسی -مانند حافظ، خیام، مولوی یا سعدی- یکی از ابزارهای تثبیت این تصویر فرهنگی است. درحالی‌که وقتی سلبریتی‌ها اشعار را به نادرست نسبت می‌دهند، نوعی تحریف نامدین سرمایه فرهنگی را رقم می‌زنند. به‌اعتقاد «پیر بوردیو» در کتاب «تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی»، سرمایه فرهنگی به انباشت دانش، ذوق هنری و مهارت‌های زبانی اشاره دارد که به فرد امکان می‌دهد در جامعه جایگاه برتر فرهنگی بیابد. رسانه‌ها و مجریان با بهره‌گیری از ادبیات کلاسیک در واقع می‌کوشند این سرمایه را به نمایش بگذارند. اما هنگامی که آگاهی واقعی نسبت به منبع، معنا، اصول شعر و درستی ابیات

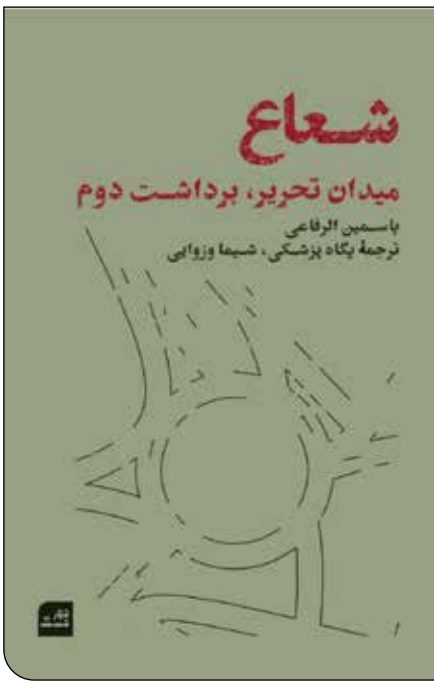
وجود نداشته باشد، نمایش فرهنگی به بالماسکه‌ای ضد فرهنگ تنزل پیدا می‌کند؛ نوعی تظاهر به فرهیختگی که از درون تهی است. این امر به‌مرور موجب می‌شود مخاطبان نیز برداشتی نادرست از شعر و اندیشه شاعران بزرگ پیدا کنند و ادبیات فارسی در ذهن نسل جدید به مجموعه‌ای از جملات زیبا، اما مبهم تقلیل یابد. این اشتباه‌ها گاه ناشی از تمایل طبیعی افراد به همدات‌پنداری یا نمادهای فرهنگی محبوب است. انسان‌ها برای جلب پذیرش اجتماعی، از رفتارها و گفتارهایی استفاده می‌کنند که از نظر جامعه ارزشمند تلقی می‌شوند. اما این نیاز به تأیید اجتماعی، اگر با دانش دقیق همراه نباشد، می‌تواند به بازتولید خطا و تحریف منجر شود. در عصر شبکه‌های اجتماعی و رقابت شدید برای جذب مخاطب، رسانه‌ها بیش از هر زمان دیگر به احساسات و جذابیت بیانی متکی شده‌اند. درواقع مخاطبان از رسانه، برای برآوردن نیازهای عاطفی و اجتماعی خود استفاده می‌کنند. از این منظر، وقتی مجری در برنامه‌ای ابیاتی از مولوی یا حافظ را با شور و احساس می‌خواند، هدف اصلی‌اش جذب همدلی و توجه مخاطب است. در چنین فضایی، صحت و منبع شعر در اولویت قرار نمی‌گیرد و نتیجه، نوعی تولید فرهنگی احساسی و غیرنقادانه است. بالین‌حال، باید توجه داشت این پدیده، ریشه در سطح گسترده‌تری از فرهنگ عمومی دارد. نسبت‌دادن نادرست جمله‌ها به چهره‌های تاریخی یا فکری، اغلب ناشی از میل جمعی به سادگی و الهام‌پذیری سریع است. درواقع، در جهانی که سرعت انتشار اطلاعات از عمق آن پیشی گرفته، «معنا» قربانی شتاب شده است. این مسئله در حوزه شعر فارسی نیز مصداق دارد. ابیات از زمینه فلسفی، عرفانی یا تاریخی خود جدا می‌شوند تا به پیام‌های کوتاه و انگیزشی تبدیل شوند؛ پیام‌هایی که جذاب‌اند، ولی معمولاً درست نیستند. چون از بافتار معنایی خود فاصله گرفته و در یک ساختار دموکراتیک و انگیزشی مصرف شده‌اند. تداوم چنین اتفاقاتی به تضعیف سواد ادبی و رسانه‌ای جامعه منجر می‌شود. زمانی که برنامه‌های فرهنگی تلویزیون و شبکه‌های نمایش خانگی یا پادکست‌های پرمخاطب بدون دقت علمی لازم، محتوای ادبی منتشر می‌کنند، مخاطب نیز به‌تدریج دقت خود را از دست می‌دهد. اصلاح این وضعیت نیازمند بازگشت به نقد فرهنگی و مسئولیت رسانه‌ای است. تولیدکنندگان و مجریان باید به‌جای اتکا به حافظه شخصی یا منابع غیرمعتبر اینترنتی، از مشاوران ادبی، نسخه‌های معتبر دیوان‌ها و کارشناسان زبان فارسی بهره بگیرند. درعین‌حال، آموزش عمومی نیز باید به تقویت توان تحلیل و تشخیص منبع در میان مخاطبان بپردازد تا هر شنونده یا بیننده‌ای درنهایت، اشتباه در خواندن یا نسبت‌دادن اشعار، نشانه‌ای از فاصله روزافزون میان فرهنگ نمایشی و فرهنگ دانش‌محور است. درحالی‌که ادبیات فارسی، به‌ویژه شعر، قرن‌ها ستون اصلی هویت فکری و زیبایی‌شناسی ایرانی بوده است، بی‌توجهی به دقت و اصالت آن در رسانه‌های معاصر می‌تواند موجب فرسایش معنایی و بی‌اعتنایی به ریشه‌های فرهنگی شود. رسانه‌ها امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند نوعی بازنگری اخلاقی‌اند؛ نگاهی که در آن، احترام به میراث ادبی را در مرکز تولید فرهنگی قرار دهد.

رفسه | مروری بر کتاب «شعاع؛ میدان تحریر، برداشت دوم»

در میانه میدان، مراقبتی فمینیستی



زهرای زمانی | دانش‌آموخته جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی



شکندگی مشترک انسان‌ها برمی‌خیزد. الرفاعی در این کتاب چیزی فراتر از سندی سیاسی آفریده؛ او تبلور فکری و زیسته فمینیسم را نوشته است؛ یادآوری اینکه انقلاب‌ها فقط در میدان‌ها و پارلمان‌ها شکل نمی‌گیرند، بلکه در کار خاموش و پرخطر مراقبت نیز زاده می‌شوند؛ در همان شعاعی که برای دوام و بقا به دور یکدیگر می‌کشیم. کتاب شعاع خشونت جنسی را از قالب صرف یک مسئله فرهنگی خارج می‌کند و آن را به‌عنوان مسئله‌ای سیاسی یادآور می‌شود و نشان می‌دهد این‌بار زنان عرب که اغلب سوزهای منفعل و سرخورده به چشم می‌آیند، خود، عاملان مبارزه هستند. الرفاعی بر این عقیده است که «انقلاب فقط به‌دست‌آوردن قدرت نیست، بلکه انقلاب میان مردم است و درون آنها». کتاب شعاع هم مرتبه است و هم بایگانی؛ سوگنامه‌ای برای لحظه‌ای زودگذر از امکان انقلاب و سندی از بازتولید پدرسالاری حتی در دل جنبش‌های آزادی‌خواه. بالین‌همه، کتاب الگویی از روایتگری فمینیستی عرضه می‌کند که شکندگی را به‌اندازه قهرمانی ارزشمند می‌داند؛ هرچند نه به‌صورت صریح یا نظری، بلکه از خلال لحن و ساختار روایتش. الرفاعی نشان می‌دهد آسیب‌پذیری و توان، دو سوی یک واقعیت انسانی‌اند. کنش فمینیستی از دل همین آگاهی به شکندگی مشترک برمی‌خیزد. «پگاه پزشکی» و «شیما وزوایی»، مترجمان این اثر در یادداشتی که در مجله «زنان امروز» در باب این کتاب منتشر کرده‌اند، چنین می‌گویند: «ما این کتاب را در سالی که گذشت ترجمه کردیم. سالی پر از لحظه‌های اضطراب، استیصال و اما هنوز بسیار نزدیک به خاطره‌ایمان از خیزش انقلابی. در روزهای ترجمه تصور می‌کردیم در «اتاق عملیات» نشسته‌ایم و وسایلمان را در دو گوشه پهن کرده‌ایم. بارها به‌هم گفتیم؛ «این همان کتابی است که نیاز داشتیم بخوانیم.»

کتاب «شعاع؛ میدان تحریر، برداشت دوم» نوشته «یاسمین الرفاعی» (انتشارات ورسو، ۲۰۲۲) اثری است که در قالبی چندگانه روایت می‌شود؛ زمان، گزارش، مصاحبه و تاریخ‌نگاری. این قالب چندگانه ارتباطی مستقیم با فضای پس‌انقلاب مصر دارد؛ فضایی که روایت منسجم و واحد از وقایع ممکن نیست. الرفاعی شور و تضادهای انقلاب ۲۰۱۱ مصر را از منظر فمینیستی نشان می‌دهد و با نگاهی تاریخی، داستان «عملیات مقابله با آزار و تجاوز جنسی» یا به اختصار «آپاتیش» را بازگو می‌کند؛ گروهی از زنان و مردان که در میدان تحریر، برای نجات زنانی که در میان جمعیت هدف آزار و حمله قرار می‌گرفتند، مداخله می‌کردند. الرفاعی در این کتاب گزارشی از کنشگری ارائه می‌دهد و تأملی بر مرزهای انقلاب، همبستگی و مقاومت فمینیستی در برابر ساختارهای پدرسالار و اقتدارگرا دارد. کتاب «شعاع» روایتی از بدن‌هاست؛ بدن‌های زنانه به‌عنوان میدان نبرد سیاسی و ابزار کنترل اجتماعی. الرفاعی نشان می‌دهد چگونه شور و امید آزادی‌خواهانه انقلاب، زیر موجی از خشونت پدرسالارانه در فضای عمومی فرو نشست. الرفاعی از موقعیتی دوگانه می‌نویسد: هم شاهد و هم کنشگر. او میان حافظه شخصی و گواهی جمعی در نوسان است. صدایش آرام و گاه فروخورده است، گویی خستگی و دلزدگی پس از انقلاب در لایه‌های نثرش رسوب کرده. او مقاومت را رمانتیزه نمی‌کند؛ بلکه بر پیچیدگی «مراقبت سیاسی» تأکید دارد؛ همان «کار در آغوش گرفتن» یکدیگر در شرایطی غیرممکن. روایت او از قطعاتی متنوع تشکیل شده؛ مصاحبه‌ها، تأمل‌ها و صحنه‌های کوتاه. این ساختار پاره‌پاره، شکلی از حافظه گسسته و امید ازهم‌گسیخته انقلابی را بازتاب می‌کند. یاسمین الرفاعی در این کتاب هیچ‌گاه قهرمانی را در معنای سنتی قهرمان انقلابی یا نجات‌دهنده بازنامی نمی‌کند. داوطلبانی که در میدان تحریر برای نجات زنان مداخله می‌کنند، در روایت او فرسوده، ترسیده، آسیب‌دیده و حتی گاهی پر از تردید هستند. آنها خطا می‌کنند، می‌ترسند و با پیغام‌های روانی آنچه دیده‌اند، دست‌وپنجه نرم می‌کنند. اما همین اعتراف به محدودیت و آسیب‌پذیری است که روایت را انسانی و صادق می‌سازد. از این نظر، شعاع نوعی واژگون‌سازی مفهوم قهرمانی را پیش می‌نهد؛ قهرمان در این روایت کسی نیست که نترسد، بلکه کسی است که در دل ترس و شکندگی همچنان دست به عمل می‌زند. این همان جایی است که کنش سیاسی نه از قدرت مطلق، بلکه از آگاهی به